

سازمان قدرت‌های اقتصادی در حال ظهور (بریکس): اهداف، توانمندی‌ها و جایگاه آن در نظام بین‌المللی

مهدی سنایی^۱

دانشیار گروه مطالعات روسیه، دانشگاه تهران

غلامرضا ابراهیم‌آبادی^۲

کارشناس ارشد علوم سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس

تاریخ دریافت: ۹۲/۲/۱۲ - تاریخ پذیرش: ۹۲/۴/۱۳

چکیده

تحولات سریع و شتابانۀ دنیای امروز در سطوح مختلف منطقه‌ای و بین‌المللی، باعث شده تا کشورها به سوی همکاری و تعامل بیشتر حرکت کنند. این امر به نوبه خود، پیمان‌ها و ائتلاف‌های جدیدی را رقم می‌زند. یا ائتلاف‌های پیشین را تقویت یا حتی تضعیف می‌کند. سازمان قدرت‌های اقتصادی در حال ظهور (بریکس) از جمله این ائتلاف‌ها و نهادهاست که فعالیت خود را از سال ۲۰۰۹م آغاز کرد و با هدف معماری جهانی تازه، به سرعت به یک نهاد مؤثر در عرصه بین‌المللی تبدیل شد. این مقاله درصدد است تا در چارچوب رویکردی کیفی و با استفاده از روش استنادی-استدلالی به این پرسش پاسخ دهد که بریکس چه جایگاهی در نظام بین‌المللی کنونی دارد و چه چشم‌اندازی را می‌توان برای آن متصور بود؟ یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که بریکس توانسته است در مدتی اندک، قطب اقتصادی جدیدی را در برابر غرب ایجاد کند و کم‌کم به موضوعات امنیتی و سیاست بین‌الملل نیز پا بگذارد و در صورت رفع برخی آسیب‌ها و چالش‌های پیش‌روی، این نهاد خواهد توانست تا نقش ارزنده‌ای در تغییر و اصلاح ساختار نظام بین‌المللی کنونی داشته باشد.

واژگان کلیدی: افریقای جنوبی، برزیل، بریکس، چین، روسیه، نظام چندقطبی، هند.

1. msanaei@ut.ac.ir

2. ebrahimabadi57@gmail.com (نویسنده مسئول)

مقدمه

تغییر و تحولات سریع و شتابنده معادلات سیاسی، اقتصادی و نظامی در دو سطح منطقه‌ای و بین‌المللی باعث شده است تا امروزه کشورها بنا به نیازها و ضروریات جایگاه خود در عرصه جهانی و در چارچوب نظریه‌های همگرایی و امنیت گروهی، به سوی همکاری و تعامل بیشتر حرکت کنند. این امر به نوبه خود، هم‌پیمانی‌ها و ائتلاف‌های جدیدی را رقم می‌زند یا ائتلاف‌های پیشین را تقویت یا حتی تضعیف می‌کند.

نظریات همگرایی برای نخستین بار، در نوشته‌های کارکردگرایانی مانند «دیوید میترا»، «ارنست هاس» و «جوزف نای» مطرح شد که بر اساس آن، دولت‌ها یا واحدهای سیاسی مجزا از هم، داوطلبانه از بخشی از اقتدار خود و اعمال آن برای دستیابی به یک سلسله اهداف مشترکشان صرف نظر می‌کنند. برای مثال، ارنست هاس همگرایی را فرایندی می‌داند که در آن بازیگران سیاسی چندین واحد ملی مجزا ترغیب می‌شوند تا وفاداری و فعالیت‌های سیاسی و انتظارات خود را به سوی مرکز جدید معطوف سازند. وی که از پایه‌گذاران نظریه همگرایی است، نظریه خود را چنین توضیح می‌دهد: «فرایندی که به وسیله آن رهبران سیاسی چند کشور مختلف متقاعد و راغب می‌شوند که وفاداری، انتظارات و فعالیت‌های سیاسی‌شان را به سمت مرکز جدیدی که نهادهایش اختیارات قانونی داشته یا متقاضی اختیارات قانونی و رأی اختیارات ملت و کشورها باشد سوق دهد» (حافظ‌نیا، ۱۳۸۳: ۶۱ - ۶۰). کشورها برای تأمین امنیت و سعادت و خوشبختی خود ناگزیر از همکاری با یکدیگرند و این همکاری جایگزین امپراتوری‌های گذشته می‌شود. از این رو، تأمین تمام یا بخش عمده‌ای از اهداف مزبور مستلزم ایجاد ائتلاف و سازمانی است تا همکاری بین عناصر را در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی تقویت کند.

بریکس (BRICS) یا سازمان قدرت‌های اقتصادی نوظهور (که از به هم پیوستن حروف اول نام انگلیسی کشورهای عضو آن یعنی: Brasila, Russia, India, China, South Africa تشکیل شده است) از جمله همین نهادها و سازمان‌هایی است که در

سال‌های اخیر در چارچوب نظریه‌های همگرایی و امنیت دسته‌جمعی بنا به اقتضائات گوناگون و مهم‌تر از همه بنا به ضروریات اقتصادی شکل گرفت.^۱ متفکران معتقدند تأسیس بریکس را باید یکی از مهم‌ترین رویدادهای ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک قرن جدید و هزاره سوم برشمرد، چرا که این گروه با توجه به توانایی‌های بالقوه و بالفعل آن، به سرعت به پدیده و عامل قدرت‌مندی در سطح جهانی تبدیل شده است (Lokov, 2012). به اعتقاد آنان، بریکس باشگاه اقتصادی همراه با گرایش‌های سیاسی و مولود دو واقعه است: یکی اقتصادی تحت عنوان جهانی شدن اقتصادی و دیگری استراتژیک تحت عنوان جنگ عراق (Laidi, 2011: 2). در واقع، این دو پدیده نقشی اساسی در پیدایش بریکس ایفا کردند؛ چرا که از یک طرف جهانی شدن لزوم ایجاد و تقویت پیمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی را سبب شد. از طرف دیگر، جنگ عراق لزوم طراحی معماری نو در جهان و نظام بین‌المللی را باعث شد.

کشورهای عضو این گروه در مجموع تقریباً ۴۳ درصد کل جمعیت (حدود ۳ میلیارد نفر) و از نظر وسعت، ۳۰ درصد مساحت زمین را به خود اختصاص داده‌اند (IMF, 2013). این گروه که از آن به عنوان «گروه ۵» نیز یاد می‌شود در تلاش است تا با تقویت خود، بلوک قدرت‌مندی در برابر قدرت‌های غربی شکل دهد و ساختار نوینی را در نظام بین‌المللی طراحی کند که مبتنی بر عدالت هر چه بیشتر باشد (ایواشف، ۱۳۹۰). بر این اساس، این مقاله درصدد است تا این سؤال اساسی را بررسی کند که جایگاه بریکس با توجه به امتیازات و چالش‌های فراروی آن، در نظام بین‌المللی چگونه است و چه چشم‌اندازی را می‌توان برای آن در نظر داشت؟ برای پاسخگویی به این سؤال، ابتدا تاریخچه و سیر تحولات این پیمان بررسی می‌شود. سپس، مهم‌ترین امتیازها و چالش‌های بریکس تشریح شده است. نهایتاً، با توجه به توان‌مندی‌ها و

۱. یادآوری این نکته لازم است که حرکت وحدت‌گرایی در چارچوب نظریه همگرایی، از حوزه و قلمرو اقتصادی به سوی حوزه سیاسی است. بنابراین فرض، نخستین عرصه همگرایی در حوزه اقتصادی نمود می‌یابد؛ آن‌گاه به حوزه سیاسی و امنیتی سرایت پیدا می‌کند.

معضلات فراروی بریکس، جایگاه و چشم‌انداز آن در نظام بین‌المللی بررسی شده است.

شایان ذکر است که با توجه به تازگی موضوع بریکس و تحولات مربوط به آن و علی‌رغم اهمیت موضوع، متأسفانه تاکنون به زبان فارسی کمتر (هیچ) کتاب و مقاله درخور توجهی نوشته نشده است و اکثر مطالب مربوط به این موضوع ژورنالیستی و در حد مقالات روزنامه‌ای است که به برخی از آن‌ها در متن اشاره خواهد شد. امید است این مقاله گشایشی برای تمرکز تحلیل‌گران مسائل اقتصادی و سیاسی کشورمان درباره موضوع بریکس و تحولات مربوط به آن باشد.

۱. تاریخچه و سیر تحولات بریکس

برزیل، روسیه، هند و چین چهار کشوری‌اند که قدرت‌های اقتصادی نوظهور قرن بیست و یکم تلقی می‌شوند.^۱ این چهار کشور در سال ۲۰۰۹ میلادی پیمانی را بنیان نهادند که بریک (BRIC) نام گرفت (یعنی برزیل، روسیه، هند و چین) و پس از آنکه در دسامبر سال ۲۰۱۱م، آفریقای جنوبی هم وارد این ائتلاف شد، نام این اتحادیه به بریکس (BRICS) تغییر یافت.

هسته اصلی بریکس را گروه «ریک» (RIC) تشکیل می‌دهد که مراد از آن کشورهای روسیه، هندوستان و چین است و در اوایل سال‌های دهه ۱۹۹۰ میلادی و با ابتکار روسیه تشکیل شده بود (نک. صمیمی، ۲۰۱۲: ۱)؛ اما با پیوستن برزیل به این مجموعه، بریک (BRIC) متولد شد. این نام با ترکیب حروف اول این کشورها، نخستین‌بار در مقاله‌ای در سال ۲۰۰۱ میلادی با عنوان «جهان به بریک‌های اقتصادی بهتر نیاز دارد»^۲ از سوی جیم اونیل^۳ مطرح شد که آن زمان رییس مدیریت دارایی‌های

۱. اطلاعات و آمار مربوط به بخش‌های مختلف اقتصادی چهار کشور چین، هند، روسیه و برزیل در ضمیمه ۱ این تحقیق به طور کامل آورده شده است.

۲. "The World Needs Better Economic BRICs"

۳. Jim O'Neill

موسسه مشهور گلدمن ساکس^۱ بود (والرشتاین، ۲۰۱۳). وی در این مقاله ضرورت تحرک بیشتر اقتصادهای چهار کشور برزیل، روسیه، چین و هند را در اقتصاد جهانی خواستار شده بود (O'Neill, 2011). با پیوستن آفریقای جنوبی اسم این سازمان به بریکس تغییر نام یافت و شکل جهانی‌تری به خود گرفت.

نطفه اولیه بریکس در سال ۲۰۰۶م در نیویورک و در تماس بین نمایندگان برزیل، روسیه، چین و هند منعقد شد. وزرای امور خارجه کشورهای برزیل، روسیه، هند و چین در حاشیه شصت و یکمین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد، گفتگوهای مقدماتی را برای تأسیس این گروه آغاز کردند. این تماس‌ها منجر به جلسات هماهنگی بین کشورهای بریکس شد. بعد از این اجلاس، رهبران ارشد این کشورها، در چهار نشست دیپلماتیک دیگر (یکاترینبورگ، سائوپائولو، توکیو و لندن) برای تحکیم پایه‌های شکل‌گیری این گروه شرکت کردند تا اینکه در سال ۲۰۰۹م بریکس تأسیس شد (سجادپور، ۱۳۹۱).

پس از تأسیس بریکس، آفریقای جنوبی تلاش‌های فراوانی برای عضویت در گروه بریکس از خود نشان داد و متعاقب آن، وزرای امور خارجه کشورهای عضو، در نشستی که در ۲۱ سپتامبر ۲۰۱۰م در نیویورک برگزار شد، با عضویت آفریقای جنوبی موافقت کردند و این کشور از سال ۲۰۱۱م رسماً عضو این گروه شد^۲ و برای اولین بار جیکوب زوما، رئیس‌جمهور آفریقای جنوبی، در ۱۴ آوریل ۲۰۱۱م در سومین اجلاس سازمان

1. Goldman Sachs

۲. عضویت آفریقای جنوبی در بریکس بدین صورت بود که در دسامبر ۲۰۱۰م، وزیر امور خارجه چین در مذاکره‌ای تلفنی با همتای خود در آفریقای جنوبی بیان می‌کند که هوجین تائو، رئیس‌جمهور چین، دعوت‌نامه‌ای را برای ژاکوب زوما، رئیس‌جمهور آفریقای جنوبی، ارسال کرده است و در این نامه از ایشان خواسته تا در نشستی شرکت کند که سال آینده در پکن پیرامون موضوعات BRIC برگزار می‌شود. رئیس‌جمهور آفریقای جنوبی نیز که مدت زیادی بود بر پیوستن کشورش به گروه BRIC تأکید داشت و بسیار علاقه‌مند بود تا از این مسیر، تصویر کشورش را در نظر سرمایه‌گذاران و مدیران مالی بهبود ببخشد از این پیشنهاد استقبال می‌کند و در اولین اجلاس بعدی سران این گروه شرکت می‌کند و نام بریکس به بریکس تغییر می‌یابد. برای اطلاعات بیشتر از تاریخچه بریکس نک. Hounshell, 2011.

بریکس، به عنوان نماینده این کشور شرکت کرد. پس از پیوستن آفریقای جنوبی عنوان بریک به بریکس تغییر نام یافت (Hounshell, 2011).

این سازمان تاکنون پنج اجلاس مهم در سطح سران برگزار کرده است. اولین اجلاس رسمی سران گروه بریک در ۱۶ ژوئن ۲۰۰۹م در یکاترینبورگ روسیه با حضور لوئیس ایناسیو لولا داسیلوا، دمتری مدودف، منموهن سینگ و هو جیتائو در مقام رهبران کشورهای برزیل، روسیه، هندوستان و چین برگزار شد. این نشست حاصل چندین سال مذاکره بین این کشورها از سال ۲۰۰۶م به بعد بود. در این نشست رهبران کشورهای بریک هشدار دادند که باید در نظام مالی جهان اصلاحاتی صورت بگیرد تا به نظامی کارا، مطمئن و باثبات تبدیل شود. هرچند این کشورها منتقد سلطه دلار آمریکایی در نظام رایج ارزی نبودند، اما در این نشست نگرانی خود را نسبت به کاهش ارزش دلار ابراز کردند.

(<http://www.brics.co.za/about-brics/summit-declaration/first-summit>)

دومین اجلاس سران کشورهای گروه بریک، در شهر برزیلیای برزیل و در ۱۵ آوریل ۲۰۱۰م برگزار شد. در این نشست، رهبران چهار کشور چین، برزیل، هند و روسیه ضمن تأکید بر اصلاح و تغییر در ساختار نظام بین‌المللی حاکم بر جهان، حمایت خویش را از ایجاد نظم جهانی دموکراتیک، منصفانه و چندجانبه (متکثر) که مبتنی بر قوانین بین‌المللی، برابری، احترام متقابل، همکاری و تصمیم‌گیری دسته جمعی باشد، اعلام کردند. همچنین، آمادگی خویش را برای همکاری با تمامی کشورهای اعلام کردند که در جهت رفع چالش‌ها و معضلات کنونی نظام بین‌المللی جهانی اقدام می‌کنند (<http://www.bricsindia.in/secondSummit.html>).

اجلاس سوم رهبران در سانای چین برگزار شد. در این نشست که ۱۴ آوریل ۲۰۱۱م در جزیره هاینان چین برگزار شد، کشورهای عضو در بیانیه نهایی خود، خواستار اصلاحات گسترده و اساسی در سیاست و عملکرد شورای امنیت سازمان ملل شدند. رهبران بریکس علاوه بر اینکه خواستار اصلاح ساختار شورای امنیت و بازتوزیع قدرت در آن از طریق عضویت اعضای جدید شدند، نسبت به رویکرد امریکا و اروپا

در قبال تحولات کشورهای عربی به ویژه دخالت ناتو در لیبی نیز موضع‌گیری کردند. در بیانیه پایانی، اعضا با اعلام مخالفت خود با هر گونه اعمال زور اظهار داشتند که استقلال و حق حاکمیت و تمامیت ارضی هر کشور باید از طرف جامعه جهانی محترم باشد (<http://www.bricsindia.in/thirdSummit.html>).

شایان ذکر است جیکوب زوما، رئیس‌جمهور آفریقای جنوبی، نیز به عنوان عضو جدید این گروه (که مدتی پیش از آن عضویت کشورش در گروه پذیرفته شده بود) برای نخستین بار در این اجلاس شرکت کرد و پس از این نام این گروه از بریکس به بریکس تغییر یافت.

چهارمین نشست بریکس، ۲۹ مارس ۲۰۱۲ میلادی در دهلی‌نو و با موضوع «مشارکت و ثبات، امنیت و رشد» برگزار شد. این نشست از برخی لحاظ متفاوت از نشست‌های قبلی بود؛ چرا که قبل از برگزاری نشست سران، کارشناسان کشورهای عضو نشست سه‌روزه برگزار کردند و پس از آن نشست، سران با تأسی از پیشنهادها نشست کارشناسان و با حضور دیلما روسف (رئیس‌جمهوری برزیل)، دمتری مدودف (رئیس‌جمهوری روسیه)، جیکوب زوما (رئیس‌جمهوری آفریقای جنوبی)، هو جینتاو (رئیس‌جمهوری چین) و مانموهان سینگ (نخست‌وزیر هند) برگزار شد که نتایج بسیار متفاوتی با نشست‌های قبلی داشت (<http://www.bricsindia.in/delhi-declaration.html>).

این نشست به صدور دو سند مهم منجر شد. سند اول، بیانیه سران و سند دوم، برنامه اقدام است. بیانیه سران در پنجاه بند، مواضع گروه بریکس در دو حوزه اقتصاد و سیاست بین‌المللی را روشن می‌کند (سجادپور، ۱۳۹۱). در این بیانیه که حاکی از تلاش بریکس برای ایجاد چندجانبه‌گرایی جدید است تمرکز کشورهای بریکس بر اصلاح ساختار حاکمیتی نهادهای مالی بین‌المللی همچون صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی بود. آنان در این نشست بر تغییر سیاست توسعه بین‌المللی تأکید کردند، خواهان بازنگری نظام پولی حاکم بر جهان با توجه به بحران‌هایی شدند که دلار با آن مواجه است (Sanwall, 2012).

در برنامه اقدام نیز که شامل هفده مورد می شود، عمدتاً به راه اندازی جلسات کاری و مشورتی بین نهادهای تخصصی کشورهای عضو پرداخته شده است، مانند اجلاس وزرای خارجه، وزرای مالیه، رؤسای بانک مرکزی، وزرای بهداشت، وزرای تجارت، و همچنین مشورت های ادواری و مستمر بین نهادهای دیپلماتیک در قالب دیدار در حاشیه جلسات مهم بین المللی، مانند گروه ۲۰ یا از طریق نمایندگی های اعضای گروه بریکس در دبیرخانه های سازمان ملل در نیویورک، ژنو و وین. در واقع، تا اجلاس بعدی سران بریکس در آفریقای جنوبی، تمامی این نشست ها و مشورت ها عملی خواهد شد (سجادپور، ۱۳۹۱).

اما یکی از نکات قابل توجه و مهم بیانیه پایانی این نشست، توافق بر سر تشکیل بانک توسعه بود. کشورهای عضو بریکس در نشست یک روزه خود در دهلی توافق کردند تا جزئیات طرح تأسیس بانک توسعه جنوب- جنوب را بررسی کنند. به گفته نخست وزیر هند، این بانک توسط کشورهای عضو این سازمان و سایر کشورهای در حال توسعه تأسیس و اداره خواهد شد و در راستای پاسخگویی بهتر به نیازهای در حال ظهور جهانی خواهد بود (<http://www.bricsindia.in/delhi-declaration.html>).

آخرین اجلاس سران بریکس، در فروردین سال جاری (۲۹ مارس ۲۰۱۳م)، در آفریقای جنوبی و در شهر دوربان برگزار شد. این اجلاس که همزمان با جشن پنجاهمین سالگرد اتحادیه آفریقا برگزار شد، توجه ویژه ای به موضوعات توسعه و رفع فقر در قاره آفریقا داشت. توافقنامه همکاری مالی برای آفریقا و تلاش برای ایجاد ترتیبات تأمین مالی برای طرح های زیربنایی در سراسر قاره آفریقا، از موضوع های مهم این اجلاس بود. موضوعات مرتبط با حقوق بشر و جنسیت نیز از موضوعات مهم این اجلاس بودند که برای اولین بار به صورت رسمی مورد توجه قرار گرفتند. همچنین، در این اجلاس رهبران بریکس مجدداً بر انتقاد از سازمان های مهم مالی جهان نظیر بانک جهانی و صندوق بین المللی پول و نیز تأسیس بانک توسعه تأکید و بیان کردند که سهم سرمایه اولیه بانک باید قابل توجه و کافی برای تأمین مالی زیرساخت ها در کشورهای مورد نظر باشد. لذا،

بر این اساس با رقم اولیه ۱۰۰ میلیارد دلار امریکا، به عنوان سرمایه اولیه بانک موافقت و قرار شد تا وزرای دارایی و رؤسای بانک‌های مرکزی کشورهای عضو در جلسه ماه سپتامبر در خصوص کم و کیف چگونگی هزینه‌کرد پول بانک، جلسات کارشناسی برگزار کنند. توافق دیگر این اجلاس تلاش برای ایجاد اتاق‌های فکر برای بریکس برای ارزیابی و سیاست‌گذاری برای برنامه‌های بلندمدت آینده، همچنین تأسیس و راه‌اندازی شوراهای کسب‌وکار برای تقویت و توسعه همکاری‌های درون‌گروهی بود (<http://www.brics5.co.za/about-brics/summit-declaration/fifth-summit>).

جدول ۱. اجلاس‌های سازمان بریکس

اجلاس	شهر میزبان	رهبر میزبان	کشور میزبان	تاریخ	مشارکت‌کنندگان
اول	یکاترینبورگ	دیمیتری مدودوف	روسیه	۱۶ ژوئن ۲۰۰۹	بریک
دوم	برزیلیا	لولا داسیلوا	برزیل	۱۶ آوریل ۲۰۱۰	بریک
سوم	سانیا	هو جین تائو	چین	۱۴ آوریل ۲۰۱۱	بریکس
چهارم	دهلی نو	مانموهان سینگ	هند	۲۹ مارس ۲۰۱۲	بریکس
پنجم	دوربان	جیکوب زوما	آفریقای جنوبی	۲۷ مارس ۲۰۱۳	بریکس

۲. اهداف گروه بریکس

بریکس اهداف بلندپروازانه‌ای دارد تا جایی که به گفته آناند شارما، وزیر بازرگانی هند، این گروه می‌خواهد معماری جهانی تازه‌ای ایجاد کند (کبریایی زاده، ۱۳۹۱).

این کشورها با برخورداری از رشد سریع اقتصادی و کسب جایگاه ویژه در اقتصاد بین‌الملل در صددند تا به طور تدریجی بر روند تصمیم‌گیری‌های ویژه نظام بین‌المللی تأثیرگذار باشند و با اصلاح نهادهای مالی و سیاسی بین‌المللی، سیستم جدیدی از حاکمیت بین‌المللی را طراحی کنند؛ لذا هدف اصلی بریکس را باید عبارت دانست از: تأسیس و ایجاد نظم جهانی عادلانه‌تر و منصفانه‌تر، به ویژه از طریق اصلاح نهادهای مالی بین‌المللی کنونی (Haibin, 2012:1).

پس از برگزاری نشست سانیا چین در ۱۴ آوریل ۲۰۱۱م، مدودوف، رئیس جمهور

روسیه، در این باره گفته بود که جدای از عوامل اقتصادی همچون نرخ بالای رشد اقتصادی، شباهت بیشتری میان کشورهای ما وجود دارد و آن عبارت است از نگرش بنیادی و اساسی به آینده نظام اقتصادی جهانی، همکاری‌های بین‌المللی، توسعه جهانی و به طور کلی اینکه چطور روش زندگی را در سیاره بهبود ببخشیم (Lukov, 2012:2). با بررسی بیانیه‌های اجلاس‌های رهبران بریکس، این واقعیت آشکار می‌شود که با افزایش نفوذ اقتصادی بریکس در سطح جهانی، کشورهای این گروه تغییر قدرت اقتصادیشان به سمت نفوذ سیاسی بین‌المللی و حرکت به سمت نظامی متکثرتر و متعادل‌تر را با هدف گسترش فرصت‌های اقتصادی برای اعضا و اصلاح سیستم حاکمیت جهانی آغاز کرده‌اند. این حرکت از اجلاس دوم بریکس به بعد ملموس‌تر و عینی‌تر می‌شود.

اساساً پذیرش کشوری همچون آفریقای جنوبی با جمعیت ۵۰ میلیونی (که برخی کارشناسان از آن انتقاد کرده‌اند)، بیشتر به دلیل نقش و دیپلماسی فعال این کشور و نفوذ منطقه‌ایش در قاره آفریقا بوده است تا قدرت اقتصادی آن؛ چرا که این کشور به عنوان یکی از کشورهای مؤثر در قاره آفریقا از اعضای بنیان‌گذار اتحادیه آفریقا است و سازمان ملل، اتحادیه کشورهای هم‌سود، سازمان تجارت جهانی، صندوق بین‌المللی پول، گروه ۷۷، جامعه توسعه اقتصادی جنوب آفریقا، گروه ۲۰، همچنین گروه ۸ به علاوه ۵ از جمله سازمان‌های بین‌المللی است که آفریقای جنوبی در آن‌ها عضویت دارد. پذیرش این کشور در واقع دغدغه‌ها و نگرانی‌های بریکس را نسبت به مسئله آفریقا و آرزوی این گروه، یعنی تبدیل شدن بریکس به پدیده‌ای جهانی، نشان می‌دهد^۱ (Haibin, 2012: 2).

۱. پس از پذیرش آفریقای جنوبی از جانب بریکس جیم/آئیل، کسی که اصطلاح «BRIC» را ابداع و بیان کرد که مطابق با آمارهای صندوق بین‌المللی پول در سال ۲۰۰۹م، در مقایسه با تولید ناخالص داخلی آفریقای جنوبی که تنها ۲۸۷ میلیارد دلار بوده، تولید ناخالص داخلی کره جنوبی ۸۳۳ میلیارد دلار، ترکیه ۷۲۹ میلیارد دلار و مکزیک ۸۷۵ میلیارد دلار بوده است و سختی میان این کشور با چهار گروه دیگر وجود ندارد؛ اما وزیر امور خارجه چین در توجیه پذیرش آفریقای جنوبی چنین بیان می‌کند که چین به عنوان رئیس فعلی گروه BRIC معتقد است که الحاق آفریقای جنوبی به این گروه موجب توسعه BRIC و تسهیل همکاری‌های اقتصادی خواهد شد (نک. Hounshell, 2011).

بریکس برای ایفای نقش مؤثرتر در عرصه بین‌المللی، همچنین خواهان اصلاح نهادهای بین‌المللی مؤثر در ترسیم نظام مالی حاکم بر جهان کنونی است. در واقع، یکی از نکات اساسی که کشورهای بریکس را نزدیک همدیگر نگه داشته است عبارت از این است که علی‌رغم اینکه هر یک به تنهایی کشوری در ابعاد تأثیرگذاری منطقه‌ای‌اند، اما می‌خواهند چشم‌اندازی جهانی برای خود ترسیم کنند (Lukyanov, 2013). لذا، در بخشی از درخواست‌های خود، خواهان واگذاری بخشی از قدرت امریکا و اروپا به کشورهای بریکس برای همکاری بیشتر آنان در صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی است. امریکا و اروپا نیز با علم به اینکه هرگونه اصلاح و تغییری در نهادهای بین‌المللی بدون مشارکت مؤثر میان اعضای مؤسس و اعضای در حال ظهور نهادهای بین‌المللی ممکن نخواهد بود به نحوی متقاعد شده‌اند که باید بخشی از قدرتشان را برای همکاری بیشتر در صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی به کشورهای بریکس انتقال بدهند (Haibin, 2012: 1).

بریکس به درستی دریافته است که دو بال اصلی سیطره غرب به رهبری ایالات متحده امریکا بر اقتصاد و سیاست جهان، دو موسسه مالی صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی است؛ لذا، اصلاح نهادهای جاری بین‌المللی به دغدغه اصلی قدرت‌های در حال ظهور یا همان گروه بریکس تبدیل شده است؛ البته، بریکس معتقد است که اصلاح این نهادها باید به گونه‌ای باشد که بتواند منافع سیستماتیک در حال افزایش بریکس را به صورتی مطلوب‌تر از گذشته تأمین کنند و خواسته‌ها و دیدگاه‌های این گروه را برای نظم آینده جهانی انعکاس دهند. از جمله تلاش‌های بریکس در این حوزه می‌توان به تأکید بر نقش هر چه بیشتر سازمان ملل در تأمین صلح جهانی، اصلاح ساختار شورای امنیت و گروه ۲۰ و نیز تلاش برای ایجاد تغییر در نهادهای مالی بین‌المللی نظیر صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی و اخیراً تلاش برای تأسیس بانک توسعه اشاره کرد. همان طور که بیان شد در نشست سران بریکس در دهلی‌نو، صحبت از تشکیل بانک توسعه مشترک شد که این بانک قطعاً نقش بسزایی در تقابل با نهادهای

قدرت‌مندی مانند بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول ایفا می‌کند و چه بسا برخوردار از نظامی دمکراتیک‌تر از این دو باشد که یکی در ید آمریکا و دیگری در سلطه اروپاست (جهانبخش، ۱۳۹۱).

طبق گفته مارتین دیویس، مدیر اجرایی موسسه مشاوره مالی «فرانتیر ادوایزری»^۱ در ژوهانسبورگ، هم‌اکنون بزرگ‌ترین هدف کشورهای گروه بریکس ایجاد موسسه مالی مشابه مؤسسات بریتون وودز است؛ مؤسسه‌ای که این بار نه توسط کشورهای توسعه‌یافته؛ بلکه از سوی کشورهای در حال توسعه تأسیس می‌شود. به نظر وی این موضوع نشانه انتقال قدرت از جهان سنتی به سوی جهان در حال توسعه است که البته این انتقال قدرت با نگرانی‌های ژئوپلیتیکی گسترده‌ای برای کشورهای غربی همراه است (دیویس، ۱۳۹۲).

در واقع، از آنجا که قدرت‌های غربی عمده‌تاً ساختار حاکمیت جهانی کنونی را ایجاد کرده‌اند، قدرت‌های در حال ظهور، تلاش جمعی خود را برای بازبینی و شکل‌دهی مجدد به نظام سیاسی اقتصادی بین‌المللی‌ای به کار برده‌اند که منافع و نگرانی آنان را نیز پوشش دهد. آن چیزی که قدرت‌های در حال ظهور دنبال می‌کنند عبارت است از جست‌وجوی نظم جدیدی اقتصادی و سیاسی که بر مبنای اصول کثرت‌گرایی چندگانه، عدالت، انصاف و دموکراسی ساخته شده باشد. این کشورها خواستار انعکاس دیدگاه‌ها و منافعشان در ساختار حاکمیت جهانی‌اند. در تلاش‌اند تا ساختارهای حاکمیت جهانی را از طریق اصلاحات تدریجی و مسالمت‌آمیز دمکراتیک‌تر و مؤثرتر سازند. در این معنا، بریکس خواهان نظام موازنه قدرتی نیست که برساخته قدرت‌های غربی باشد، بلکه در جست‌وجوی ترغیب آنان به تعاملی برابرتر و مؤثرتر است تا نظم جهانی بهتری برای بشریت به ارمغان آورد (Haibin, 2012: 6).

در جمع‌بندی کلی، اهداف مبنایی بریکس را که در یکی دو دهه آینده در بخش‌های مختلف قابل پیش‌بینی است، می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

- اصلاح ساختار اقتصادی و مالی جهانی که توجهی به افزایش وزن اقتصادی کشورهای بریکس و سایر اقتصادهای در حال ظهور ندارد.
- تقویت استانداردها و اصول قوانین و قواعد بین‌المللی در راستای جلوگیری و ممانعت از نقض حاکمیت دیگر کشورها و بی‌اثرسازی سیاست‌های قدرت.
- تعامل، همکاری و مشارکت در سطح گسترده با مسائل، معضلات و موضوعات مربوط به مدرنیزه کردن اجتماعی و اقتصادی.
- حمایت کامل از تمامی بخش‌های اقتصادی تمامی اعضا.

۳. امتیازها، قابلیت‌ها و توانمندی‌های بریکس در دستیابی به اهداف

آخرین نشست قدرت‌های نوظهور اقتصادی (بریکس) متشکل از کشورهای برزیل، هند، روسیه، چین و آفریقای جنوبی در حالی در دوران برگزار شد که از تلاش کشورهای صنعتی یا در حال توسعه برای تشکیل بلوک‌های اقتصادی چند دهه می‌گذرد؛ اتحادیه اروپا، اپک، سارک، آ.سه.آن، گروه ۱۵ و اکو نمونه‌هایی از چنین تلاش‌هایی است که از فردای جنگ جهانی دوم شروع شده است و همچنان استمرار دارد. هر چند که بسیاری از این سازمان‌ها و اتحادیه‌ها در دستیابی به اهداف خود با چالش‌های متعددی روبه‌رو شده، به نوعی در نیل به این اهداف ناکام مانده‌اند؛ اما با تشکیل بریکس و نقش تعیین‌کننده آن در نظام بین‌المللی به دلیل برخورداری از مجموعه‌ای از مؤلفه‌ها و ویژگی‌های خاص، اکنون جهان شاهد شکل‌گیری بلوکی نیرومند در عرصه اقتصاد بین‌الملل است که مطالبات آن‌ها فقط اقتصادی نیست، بلکه در عرصه سیاست بین‌الملل نیز حرفی برای گفتن دارند.

۱.۳. امتیازات و مؤلفه‌های سیاسی و امنیتی

نخستین امتیاز بریکس در زمینه مؤلفه‌های سیاسی و امنیتی عضویت کشورهای چین و روسیه، دو عضو اصلی این پیمان، به عنوان اعضای دائم شورای امنیت سازمان ملل است. حضور دو عضو دائم شورای امنیت در گروه بریکس و سه مدعی کسب کرسی

دائم، یعنی هند، برزیل و آفریقای جنوبی، نشان‌دهنده اهمیت این گروه در معادلات جهانی است.

از طرفی، چهار کشور از پنج کشور عضو پیمان بریکس، به سلاح هسته‌ای دست یافته‌اند: هند، روسیه، چین و آفریقای جنوبی. هر چند آفریقای جنوبی، از اعضای این گروه، داوطلبانه از داشتن سلاح هسته‌ای چشم‌پوشی کرد. برزیل هم پیشرفت‌های چشمگیری در زمینه فناوری هسته‌ای داشته است؛ اما تنها به این دلیل که آمریکای جنوبی قرارداد منع تولید سلاح‌های هسته‌ای را امضا کرده، برزیل هم از تولید سلاح هسته‌ای خودداری کرده است؛ با این حال، برزیل در این سال‌ها همیشه جزو کشورهای بوده که در آستانه رسیدن به سلاح هسته‌ای تلقی می‌شود (باوند، ۱۳۹۱: ۱۴). برخورداری از چنین موقعیتی در عرصه سیاست بین‌الملل، در کنار قدرت برتر نظامی روسیه، قدرتی که روسیه از دوران جنگ سرد همچنان حفظ کرده است، به بریکس که در وهله اول شکل‌گیری آن، بنیادی اقتصادی داشت، موقعیتی خاص بخشیده و جایگاه این گروه را به عنوان گروهی غیرغربی مخالف با هژمونی امریکا تثبیت کرده و بر اهمیت آن در نظام بین‌المللی افزوده است.

گروه بریکس همچنین نقش فعالی در سازمان‌های بین‌المللی نظیر گروه ۲۰، گروه ۸، کشورهای غیرمتعهد و گروه ۷۷ دارد. آن‌ها در سازمان‌ها و پیمان‌های منطقه‌ای مهمی نیز عضوند. برای مثال، روسیه عضو کشورهای مستقل مشترک‌المنافع و سازمان پیمان امنیت دسته‌جمعی است. چین و روسیه همچنین عضو سازمان همکاری شانگهای و گروه همکاری‌های اقتصادی آسیا-پاسفیک‌اند. برزیل یکی از اعضای اتحادیه کشورهای آمریکای جنوبی و نیز عضو مرکوسور است. آفریقای جنوبی نیز از اعضای اتحادیه آفریقا و شورای (جامعه) توسعه آفریقای جنوبی است و هند نیز یکی از اعضای اتحادیه آسیای جنوبی برای همکاری‌های منطقه‌ای است (Lukov, 2012:1).

پتانسیل‌های سیاسی و دیپلماتیک در کنار مؤلفه‌های طبیعی، اقتصادی و جمعیتی که به نوعی اساس شکل‌گیری بریکس بوده است و در ادامه به آن‌ها خواهیم پرداخت،

چنان اهمیتی به گروه بریکس بخشیده است که کمتر کسی می‌تواند از نقش تعیین‌کننده این گروه در عرصه نظام بین‌الملل کنونی چشم‌پوشد.

۲.۳. امتیازات و مؤلفه‌های جمعیتی و اقتصادی

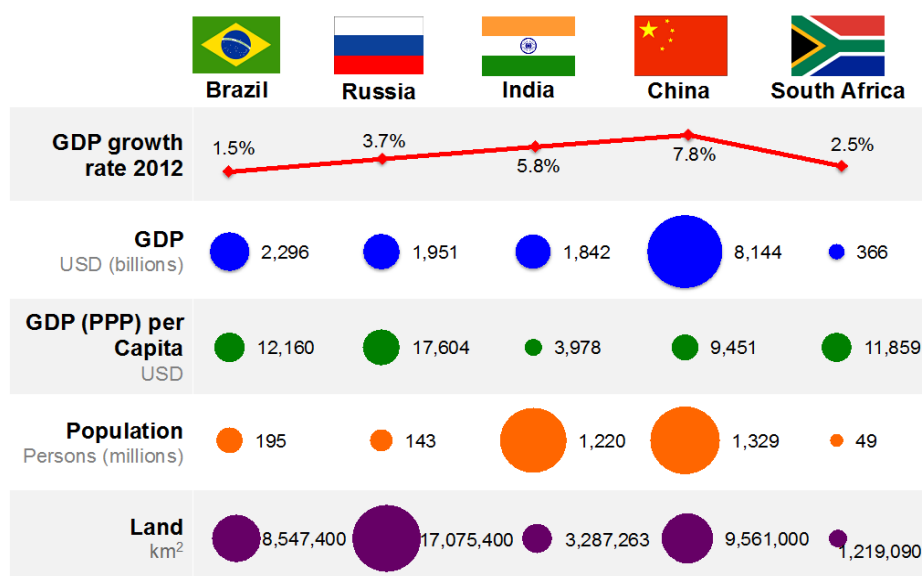
بریکس امروزه دارای ۴۳ درصد از جمعیت جهان (حدود ۳ میلیارد نفر) است که بیش از ۳۰ درصد مساحت خاک جهان را تشکیل می‌دهد (IMF, 2013). این کشورها بیش از ۲۵ درصد قدرت اقتصادی دنیا و بیش از ۱۵ درصد تجارت جهانی را در اختیار دارند (Singh & Dube, 2011:3). مجموع ذخایر ارزی خارجی کشورهای بریکس به ارزش ۴.۴ هزار میلیارد دلار در سال ۲۰۱۲م بوده، حجم تجارت میان این کشورها از ۲۷ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۲م به ۲۸۲ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۲م رسیده است و طبق پیش‌بینی‌ها، تا سال ۲۰۱۵م این رقم به ۵۰۰ میلیارد دلار خواهد رسید. همچنین، میزان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای گروه بریکس در سال ۲۰۱۲م به ۲۶۳ میلیارد دلار رسیده که این رقم ۲۰ درصد کل سرمایه‌گذاری مستقیم جهانی در این سال بوده است (دیویس، ۱۳۹۲). همچنین، ۴۵ درصد نیروی کار جهان را در اختیار دارند (Groot and et al, 2011:3) و بر اساس آخرین آمار، ترکیب‌بندی اسمی تولید ناخالص داخلی این گروه در سال ۲۰۱۲ میلادی، ۱۳ تریلیون و ۶۰۰ میلیارد دلار آمریکا بوده است (IMF, 2013).

نکته قابل توجه درباره کشورهای بریکس، پرجمعیت بودن آن‌ها از یک طرف و از طرف دیگر داشتن منابع طبیعی و وسعت قابل توجه است. همچنین، بالاترین رشد اقتصادی بین سایر کشورهای جهان را داراست. در میان کشورهای این گروه، برزیل، هند و چین جزو کشورهایی‌اند که رشد اقتصادی سریع‌تری دارند. برخی برآوردها حاکی از آن است که سهم کشورهای گروه بریکس از رشد اقتصاد جهانی در دهه گذشته به حدود ۵۰ درصد رسیده است (Lukov, 2012); این در حالی است که این مجموعه از کشورها، در سال ۲۰۰۷م، حدود ۱۶ درصد تولید ناخالص داخلی (GDP) جهان را داشتند و در سال ۲۰۱۰م، این رقم را به ۲۵ درصد رساندند (Singh &

(Dube, 2011). آمارهای جدید نیز حاکی از این است که به شکرانه این اقتصادهای نوظهور بزرگ، تولید ناخالص داخلی جهان ۲/۵ درصد در فصل پایانی سال ۲۰۱۲م رشد داشته و بریکس به تنهایی مسبب ۵۵ درصد از رشد جهانی از سال ۲۰۰۹م تا کنون بوده است (اقتصاد ایران آنلاین، ۱۳۹۲).

جدول زیر برخی مشخصات کشورهای بریکس را در خصوص مؤلفه‌هایی همچون نرخ رشد، میزان تولید ناخالص داخلی، جمعیت و وسعت ترسیم می‌کند.

جدول ۲. مشخصات کشورهای بریکس



*Source: AMI based on data from the EIU.

شاید بتوان به نحوی نقطه آغازین شکل‌گیری گروهی نظیر بریکس را به قدرت‌یابی پوتین در آخرین سال از هزاره دوم نسبت داد. زمانی که در ۳۱ دسامبر ۱۹۹۹م، ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه می‌شود و سوگند می‌خورد که حیثیت و قدرت سرزمین روسیه را بازگرداند. بعد از آن مجموعه‌ای از تحولات دست به دست هم می‌دهد و مقدمات شکل‌گیری بریکس فراهم می‌شود، به نحوی که در ۱۱ دسامبر ۲۰۰۱م، چین به

سازمان تجارت جهانی می‌پیوندد و روزنامه دولتی روزنامه مردم چین می‌نویسد: «اکنون لحظه‌ای تاریخی برای اصلاحات چین و فرایند مدرنیزه کردن است.» پس از آن، در اول ژانویه ۲۰۰۳م، لوئیس ایناسیو لولا داسیلوا، رهبر حزب چپ برزیل، رئیس‌جمهور می‌شود و برزیل دوره‌ای بی‌سابقه را در جهت رشد سریع اقتصادی آغاز می‌کند. بین سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۵ میلادی، بورس سهام مربوط به نفت و سوخت روسیه ۷۶۱٪ و بورس سهام هند ۱۹۰٪ رشد می‌کند. در دسامبر ۲۰۰۷م، چین آلمان را به عنوان سومین اقتصاد جهان پشت سر می‌گذارد. در ژانویه ۲۰۰۸م، برزیل برای اولین بار به طور خالص طلبکار می‌شود؛ یعنی، بیش از آنکه از سایر کشورها وام دریافت کند، به سایر کشورها وام می‌دهد و در سال ۲۰۰۹م رسماً بریکس تأسیس می‌شود (Hounshell, 2011).

مؤسسه سرمایه‌گذاری گلدمن ساکس امریکا در سال ۲۰۱۱م در گزارشی که هم‌زمان با دهمین سالگرد ایجاد گروه بریکس منتشر شد اعلام کرد که کشورهای عضو گروه بریکس، یعنی چین، هند، برزیل، روسیه و آفریقای جنوبی، پنج کشور برتر اقتصاد جهان محسوب می‌شوند. گلدمن ساکس تأکید کرده است در حالی که در سال‌های آینده شاهد رکود اقتصادی جهان ایم، هزینه‌های تولیدی کشورهای بریکس و در پی آن اقتصاد آن‌ها رشد خواهد کرد (Goldmansachs, 2011). صندوق بین‌المللی پول نیز در ۱۱ آوریل ۲۰۱۱م اعلام کرد پنج کشور عضو سازمان بریکس به عنوان جوامع عمده اقتصاد جدید جهانی در سال ۲۰۱۲م روند رو به رشد قدرت‌مند اقتصادی خود را ادامه خواهند داد (IMF, 2011).

طبق تحقیقات یک موسسه مطالعات اقتصادی در انگلستان نیز، هندوستان که امروزه بزرگ‌ترین دموکراسی جهان را دارد و در سال ۲۰۱۰م در جایگاه دهمین اقتصاد برتر جهان قرار داشت، تا سال ۲۰۲۰م خود را به جایگاه پنجم خواهد رساند. بر اساس این گزارش، که براساس اطلاعات بانک جهانی تنظیم شده است، اقتصاد ۱/۷۳ تریلیون دلاری هند تا پایان سال ۲۰۱۰م در جایگاه نهم اقتصادهای برتر جهان قرار داشت. برزیل نیز پرجنب‌وجوش‌ترین اقتصاد مشتری‌مدار جهان را دارد که روزبه‌روز هم توسعه

می‌یابد. برزیل، در سال ۲۰۱۱م با قرارگرفتن در مقام ششمین اقتصاد برتر جهان، از رتبه انگلیسی‌ها پیشی گرفت و حتی در حال نزدیک شدن به رتبه فرانسوی‌هاست. روسیه نیز هنوز از دوران دوقطبی جنگ سرد، میراث قدرت نظامی خود را به عنوان ابرقدرت نظامی از دست نداده و به لحاظ اقتصادی نیز درآمدهای واقعی این کشور بین سال‌های ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۹ میلادی، ۱۴۲ درصد افزایش یافته است که رشد قابل توجهی به شمار می‌رود. گفته می‌شود که تا سال ۲۰۲۰م روسیه، هند و برزیل از بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته اروپایی از جمله فرانسه و انگلستان سبقت خواهند گرفت^۱ (خدایی، ۲۰۱۱).

در پرتو رشد سریع کشورهای بریکس، تحلیل‌گران بر این اعتقادند که اگر چه در سال ۲۰۱۰م، چهار قدرت از پنج قدرت اقتصادی جهان از کشورهای غربی بودند، در سال ۲۰۵۰م فقط ایالات متحده آمریکا به عنوان تنها کشور غربی، در میان پنج اقتصاد برتر دنیا حضور خواهد داشت (ورلد، ۱۳۹۱).

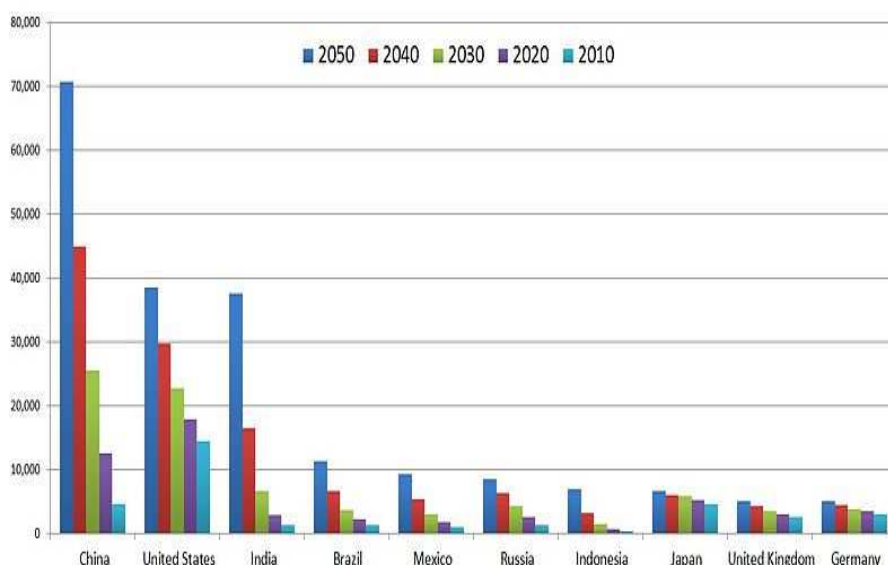
حتی در این صورت، اگرچه ایالات متحده در سال ۲۰۵۰م دومین اقتصاد دنیا خواهد بود، اما در مقایسه با اقتصاد چین ابعاد بسیار کوچک‌تری خواهد داشت. تحقیقات شرکت گلدمن ساکس پیش‌بینی می‌کند تولید ناخالص داخلی چین در سال ۲۰۲۷م به تولید ناخالص داخلی آمریکا می‌رسد. سپس، آن را پشت سر می‌گذارد و مجموع تولید ناخالص داخلی برزیل، روسیه، هند و چین که از اعضای بریکس‌اند تا سال ۲۰۳۲م با تولید ناخالص داخلی کنونی کشورهای مهم غربی برابری خواهد کرد و در سال ۲۰۳۵م تولید ناخالص داخلی بریکس بیش از مجموع تولید ناخالص داخلی هفت کشور صنعتی جهان (شامل آمریکا، کانادا، انگلستان، آلمان، فرانسه و ایتالیا) خواهد بود^۲ (Goldmansachs, 2011).

۱. ضمیمه دو و سه پایانی این مقاله، تولید ناخالص داخلی (سرانه و مجموع) بیست کشور اول جهان از سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۵۰ میلادی را به تصویر کشیده و در آن موقعیت اعضای بریکس را از سال ۲۰۰۶ تا سال ۲۰۵۰ میلادی به لحاظ شاخص تولید ناخالص ملی برجسته کرده است.

۲. در ضمیمه چهارم این تحقیق، مقایسه‌ای بین میزان تولید ناخالص داخلی بریکس و گروه هفت از سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۵۰ میلادی صورت گرفته است.

طبق پیش‌بینی بانک جهانی، دلار، یورو و یوان بر اساس نظام پولی چندارزی تا سال ۲۰۲۵م ارزش برابر پیدا می‌کنند و در نتیجه دلار سلطه خود را از دست خواهد داد. چین هم‌اکنون ژاپن و آلمان را پشت سر گذاشته و به دومین اقتصاد بزرگ تبدیل شده است (ورلد، ۱۳۹۱). صندوق بین‌المللی پول نیز در سال ۲۰۱۱ میلادی پیش‌بینی کرد چین در پنج سال آینده به نخستین اقتصاد جهان تبدیل می‌شود و این کشور در سال ۲۰۱۶ میلادی در شاخص‌های اقتصادی از آمریکا پیشی خواهد گرفت. از سوی دیگر، ارزش تولید ناخالص داخلی چین که در سال ۲۰۱۰ میلادی ۱۱ هزار و ۲۰۰ میلیارد دلار بود در سال ۲۰۱۶ میلادی به ۱۹ هزار میلیارد دلار خواهد رسید. این در شرایطی است که در سال ۲۰۱۰ میلادی ارزش این شاخص برای آمریکا ۱۵ میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار بود و تا سال ۲۰۱۶ میلادی به ۱۸ هزار و ۸۰۰ میلیارد دلار خواهد رسید. افزون بر این، تا پنج سال آینده، سهم چین در اقتصاد جهانی از ۱۴ درصد حال حاضر، به ۱۸ درصد خواهد رسید که از سهم ۱۷/۷ درصدی آمریکا بیشتر است (CIA, 2012).

ایالات متحده در سال ۲۰۱۰م اعلام کرد ۴۷۰ میلیارد دلار کسری حساب جاری دارد؛ عاملی که به عدم توازن جهانی دامن زده است و متعاقباً آینده رشد اقتصادی آمریکا را تهدید می‌کند. اما چین در سال ۲۰۱۰م اعلام کرد ۳۰۵ میلیارد دلار مازاد دارد. بدهی دولت ایالات متحده در اوایل سال ۲۰۱۱م به ۱۴ تریلیون دلار رسید که این میزان بیش از ۹۰ درصد تولید ناخالص داخلی آن است. کسری بودجه سالانه این کشور نیز از زمان جنگ جهانی دوم به بالاترین حد خود رسیده است. چین هم‌زمان با افزایش بدهی آمریکا به مهم‌ترین خریدار خارجی اوراق بهادار این کشور تبدیل شده است و بر همین اساس، تا پایان سال ۲۰۱۰م، ۲/۱ تریلیون دلار از دیون آمریکا را خریداری کرد. در نتیجه، بیش از ۲۵ درصد از اوراق بهادار آمریکا و خریداری‌شده کشورهای خارجی در اختیار چین قرار دارد. در حقیقت، بیش از ۵۰ درصد از دیون دولت آمریکا در ابتدای سال ۲۰۱۰ میلادی در اختیار خارجی‌ها بوده که باعث شده آسیب‌پذیری مالی ایالات متحده به میزان قابل توجهی برسد (Goldmansachs, 2011).



منبع: [http://www.goldmansachs.com/our-thinking/topics/brics/brics-and-beyond-](http://www.goldmansachs.com/our-thinking/topics/brics/brics-and-beyond-book-pdfs/brics-full-book.pdf)

book-pdfs/brics-full-book.pdf

شکل ۱. ده اقتصاد برتر جهان در سال ۲۰۵۰ میلادی (با احتساب تولید ناخالص ملی به میلیارد دلار)

علاوه بر موضوع انتقال جریان سرمایه مادی به شرق، به نظر می‌رسد سرمایه فکری نیز از مرکز به پیرامون نظام جهانی نقل مکان می‌کند، به طوری که هر چند ایالات متحده هنوز هم بهترین نظام دانشگاهی را در جهان دارد، اما بسیاری از دانشجویان این دانشگاه‌ها خارجی‌اند و معمولاً پس از کسب مهارت به کشورشان بازمی‌گردند. برای مثال در سال ۱۹۷۸ میلادی، حدود ۱۲ درصد از فارغ‌التحصیلان مقطع دکتری در آمریکا خارجی بودند. در سال ۲۰۰۸م این میزان به ۳۳ درصد رسید. ۶۰ درصد از فارغ‌التحصیلان مقطع دکتری در رشته‌های مهندسی و ۴۸ درصد در علوم فیزیک دانشجویان خارجی بودند. جالب توجه است بدانیم که در سال ۲۰۰۸م، حدود ۳۰ درصد از دانشجویان خارجی موفق به اخذ مدرک دکتری در آمریکا شهروندان چینی بودند. با احتساب دانشجویان هندی و کره جنوبی، این میزان به بیش از ۵۰ درصد

می‌رسد. در نتیجه، جای تعجبی ندارد که مقاله‌های علمی منتشرشده شهروندان آسیایی از ۱۶ درصد در سال ۱۹۹۰م به ۲۵ درصد در سال ۲۰۰۴م رسیده است (ورلد، ۱۳۹۱).

۴. چالش‌ها و معضلات پیش‌روی بریکس در دستیابی به اهداف

علی‌رغم آنچه گفتیم، هر چند سازمان بریکس آینده اقتصادی و به تبع آن، آینده سیاسی مهمی را در پیش‌رو دارد، اما به همان اندازه شکننده هم هست و با چالش‌های متعددی روبه‌روست که در ادامه بخشی از این چالش‌ها را مرور می‌کنیم.

۱.۴. چالش‌های اقتصادی - اجتماعی

کشورهای بریکس از سه قاره متفاوت با فرهنگ‌های گوناگون و حتی رهیافت‌های اقتصادی مختلف‌اند که نوعی ناهمگنی میان این گروه به وجود آورده است؛ برای مثال، بخشی از این بلوک یعنی برزیل، هند و آفریقای جنوبی، به نظام بازار آزاد و اقتصاد سرمایه‌داری لیبرال بیشتر توجه دارند تا سیاست چین. از این‌رو، کشورهای در حال توسعه، برای تعامل با چنین نهادی، باید اولویت‌های خود را براساس همین ابعاد و زوایا سامان دهند.

کشورهای بریکس با نابرابری اقتصادی میان اعضا نیز روبه‌رویند. به همین دلیل، میانگین امید به زندگی در آن‌ها به میزان قابل‌توجهی از گروه هفت پایین‌تر است. کشورهای عضو این گروه هر چند جزو اقتصادهای نوظهور به حساب می‌آیند، اما تفاوت‌های زیاد اقتصادی آن‌ها را از هم متمایز می‌کند. برای مثال، جیمز اونیل که برای نخستین بار، نام بریک را به کار برد آفریقای جنوبی را مهره‌ای همگون با چهار کشور دیگر نمی‌داند. او با ابراز تعجب از عضویت این کشور در بریکس و نامشخص بودن دلیل این اقدام اعضای اولیه می‌گوید: اقتصاد آفریقای جنوبی در مقایسه با این کشورها کوچک است و درآمد ناخالص داخلی آن نیم درصد از دارایی جهان را تشکیل می‌دهد. وی برای یک‌دست شدن بریکس ترکیه، اندونزی، مکزیک، کره جنوبی و حتی عربستان سعودی و لهستان را بیشتر از آفریقای جنوبی حائز شرایط می‌داند (Hounshell, 2011).

شایان توجه است که در گروه بریکس، چین نسبت به بقیه اعضای این گروه، برتری اقتصادی قابل توجهی دارد و در اقتصاد تنها به شیوه خود عمل می‌کند؛ اقتصاد این کشور چهار برابر از برزیل و ده برابر از هند قدرت‌مندتر معرفی شده است و در سال ۲۰۱۰م، حدود نیمی از تولید ناخالص داخلی بریکس و بیش از ۷۰ درصد صادرات جهانی بریکس به چین اختصاص داشته است (نژند، ۱۳۹۱).

از سوی دیگر، روسیه هنوز هم وارث بلامنازع سیاست‌های اقتصاد متمرکز شوروی سابق به شمار می‌رود و عدم باور به اقتصاد بازار آزاد، هنوز در تار و پود این کشور ریشه دارد. روسیه هنوز می‌کوشد که معجونی جادویی از سیاست کارآمد دولتی برای بهره‌برداری از منابع طبیعی غنی، فضای پهناور و مساحت فوق‌العاده زیاد، و همین‌طور توان اجتماعی خیره‌کننده موجود در این کشور بیابد. روسیه باید بتواند مدرنیزه کردن را با سرعتی دست‌کم برابر با روند واپسگرایی نسبی اجتماعی پیش‌برد که به غیر از مسکو و سن‌پترزبورگ، در سرتاسر روسیه مشاهده می‌شود (اسکوبار، ۱۳۹۱).

هند نیز اگرچه بزرگ‌ترین دموکراسی دنیا از لحاظ جمعیت به شمار می‌رود و پس از قدرت‌یابی مجدد حزب کنگره و موهامو سینگ، تا حدودی لیبرالیسم اقتصادی در این کشور حاکم شده است و به نوعی توسعه متوازن را تجربه می‌کند، اما به دلیل داشتن جمعیت فراوان، راه دشواری برای رسیدن به مقاصد بریکس پیش‌رو دارد، به طوری که امروزه در هند رشد روزافزون فقر و افزایش اختلاف طبقاتی بیداد می‌کند (بازارباشلی، ۱۳۹۱: ۱).

برزیل نیز مشکلات خاص خود را دارد: به طوری که تنها در هفت سال گذشته، حدود ۴۰ میلیون نفر بر مصرف‌کنندگان طبقه متوسط برزیل اضافه شده است؛ تا سال ۲۰۱۶م، برزیل باید ۹۰۰۰ میلیارد دلار دیگر، بیش از یک‌سوم تولید ناخالص داخلی خود را در زیرساخت‌های انرژی سرمایه‌گذاری کند. این در حالی است که برزیل به اندازه دیگر اعضای بریکس با چم‌وخم ابعاد مختلف تجارت جهانی آشنا نیست، زیرا

صادرات این کشور تنها ۱۱ درصد تولید ناخالص داخلی را تشکیل می‌دهد (Escobar, 2012).

در این میان، اوضاع آفریقای جنوبی از دیگر اعضا بدتر است. براساس گزارش بانک جهانی، آفریقای جنوبی دارای یکی از بدترین شاخص‌های توسعه انسانی نسبت به سرانه تولید ناخالص داخلی، در میان کشورهای جهان است. از جمعیت ۱۷/۱ میلیون نفری نیروی کار این کشور، در پایان فصل اول سال ۲۰۱۰م، تعداد افراد شاغل ۱۲/۸ میلیون نفر و تعداد افراد بیکار ۴/۳ میلیون نفر بوده که بیشترین نرخ بیکاری در میان سیاهان است. همچنین، براساس آمارهای منتشر شده ۵۰ درصد از مردم آفریقای جنوبی زیر خط فقرند و نرخ بیکاری در سال‌های ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰ میلادی به ترتیب بالغ بر ۲۴ درصد و ۲۴/۹ درصد بوده است^۱ (شریعتی، ۱۳۹۱).

این مسائل در حالی است که مسئله عدم توسعه اجتماعی و فرهنگی و مسئولیت‌پذیری نخبگان و شکل نگرفتن و قدرت نیافتن طبقه متوسط در جوامعی مانند چین و روسیه و حتی تا حدودی هند هم به چشم می‌خورد. از طرفی، بر مهره‌های کلیدی بریکس مانند چین و روسیه به دلیل نداشتن اصولی دموکراتیک مانند آزادی بیان، انتخابات آزاد و آزادی رسانه‌ها تشکیک وارده شده است (کبریایی زاده، ۱۳۹۱).

از طرف دیگر، در روسیه، رقم جمعیت و سن امید به زندگی از ده سال پیش، به شکلی منظم کاهش یافته است. جمعیت فعال هند تا سال ۲۰۳۰م به ۲۴۰ میلیون تن افزایش پیدا کرده است و جمعیت برزیل صرفاً به ۲۰ میلیون تن خواهد رسید؛ در حالی که جمعیت فعال چین در شکل فعلی خواهد ماند (کمتر از ۱۰ میلیون افزایش) و جمعیت روسیه سیر نزولی (حدود ۲۰ میلیون) خود را همچنان ادامه خواهد داد، که این امر خود به تنهایی معضلی بزرگ به حساب می‌آید؛ چرا که در این حال، فقر برای غالب کشورهای بریکس کماکان چالشی بزرگ باقی خواهد ماند. در سال ۲۰۱۰م،

۱. دولت آفریقای جنوبی با اجرای قانون تقویت اقتصادی سیاه‌پوستان و با در پیش گرفتن برنامه ایجاد ۵ میلیون فرصت شغلی جدید تا سال ۲۰۲۰م سعی کرده است با چالش بیکاری، فقر و فساد در این کشور مقابله جدی کند.

حدود ۸۰ درصد جمعیت هند، ۳۵ درصد جمعیت چین و ۲۰ درصد جمعیت برزیل هنوز با کمتر از ۲ دلار در روز زندگی سر می‌کرده‌اند. به این معضل، مشکلات نابرابری نیز افزوده می‌شود که برای غالب کشورهای بریکس سیری صعودی می‌پیماید. از بین این پنج کشور، تنها برزیل بین سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۰ میلادی با کاهش نابرابری‌ها روبه‌رو بوده است (نژند، ۱۳۹۱).

هم‌زمان، نسبت جمعیت سالخورده به جمعیت فعال در این کشورها، که هنوز نیز تقریباً فاقد نظام‌های اجتماعی‌اند، به طور جدی افزایش می‌یابد. این نسبت ظرف سی سال آینده در چین و برزیل، و ظرف بیست سال آینده در روسیه به سطح اروپای امروزی خواهد رسید؛ بنابراین، این خطر جدی وجود دارد که اختلاف ثروت تشدید شود (همان).

۲.۴. چالش‌های سیاسی - بین‌المللی

جدای از موضوعات اقتصادی، رویکردها و کنش‌های سیاسی هر کدام از کشورهای بریکس در تعامل با مسائل مختلف منطقه‌ای و بین‌المللی، هنوز یک‌دست و همگن نشده است و این مسئله می‌تواند در پیوستن یا عدم پیوستن سایر کشورها به این نهاد بین‌المللی تأثیرگذار باشد. واقعیت این است که خود این نهاد با وجود عضویت کشورهای قدرت‌مند اقتصادی، به لحاظ سیاسی هنوز یک‌دست نیست. برای نمونه، در حالی که چین و روسیه از منظر تعامل با رخدادهای جهانی اغلب موضع مشترک یا نزدیک به هم دارند، کشورهای آفریقای جنوبی و برزیل یا هند، متناسب با نظام‌های اقتصادی و سیاسی خود که بیشتر به سرمایه داری غرب نزدیک است، مواضع متفاوتی با شرکای اقتصادی خود در قبال مسائل گوناگون اتخاذ می‌کنند. این امر، در عین اینکه بیش از هر چیزی کشورهای در حال رشد را به روی آوردن به این گروه قدرت‌مند اقتصادی جدید تشویق می‌کند، می‌تواند آن‌ها را از آن دور سازد. این مسئله‌ای است که در موضع‌گیری‌های کشورهای در حال رشد هم نمود دارد. برای مثال، مواضع عربستان سعودی در قبال تحولات سوریه یا دیگر رخدادهای جهان عرب، کاملاً با سیاست‌ها و

مواضع چین و روسیه در تعارض است. در نتیجه، عربستان و امارات این کشور در جهان عرب، هر چند می‌توانند روابط تجاری و سیاسی خود را با بخشی از این بلوک توسعه و گسترش بخشند، به همان اندازه هم از بخش دیگری از این بلوک، فاصله می‌گیرند و این چه بسا در روند تصمیم‌گیری مشترک کشورهای عضو این نهاد در قبال روابط با این کشور نوعی تقابل ایجاد کند (آلبوغیش، ۱۳۹۱).

از سوی، کشورهای بریکس امروزه در عرصه اقتصاد بین‌الملل با اقتصادهای نوظهور دیگری نظیر اندونزی، مکزیک، ترکیه، نیجریه و لهستان نیز مواجه‌اند که خواهان مشارکت در عرصه سیاست بین‌الملل و داشتن سهم بیشتری در اقتصاد بین‌الملل و در نتیجه معماری نو در جهان‌اند و نحوه تعامل با آن‌ها از جمله چالش‌های فراروی این گروه است (Karackattu, 2011).

رقابت‌های درونی میان اعضا، بخش دیگری از چالش‌های فراروی بریکس است. اعضای بریکس در بسیاری از زمینه‌های کلیدی با یکدیگر رقابت دارند. در آسیا، هند و روسیه از موانع بالقوه سلطه منطقه‌ای فرضی چین هستند. همچنین، روسیه، برزیل و هند خواهان نظام بین‌المللی چندقطبی‌اند که خود بازیگران اصلی‌اش باشند و در این راستا، هند و برزیل قصد دارند عضو شورای امنیت سازمان ملل شوند. در عوض، هدف چین تشکیل یک دنیای دوقطبی است که در آن چینی‌ها موازنه‌ای برای قدرت آمریکایی‌ها باشند؛ لذا می‌بینیم که پکن تاکنون با پیشنهاد هند برای عضویت دائم در شورای امنیت مخالفت کرده است (کبریایی‌زاده، ۱۳۹۱). همچنین، هند و چین حدود چهار دهه خصومت و دشمنی و درگیری بر سر مرزهای سرزمینی خود داشته‌اند. در سال ۱۹۶۲م این دو قدرت بزرگ اقتصادی آسیا که در آغاز جنگ سرد به دلیل خط مشی مشترک ضدامپریالیستی خود، پیمان برادری بسته بودند، به ناگاه وارد جنگ با یکدیگر شدند. دولت چین در آن زمان به صورتی کاملاً مخفیانه و پنهانی، خطوط مرزی‌اش را با این همسایه جنوبی، به سود خود تغییر داده بود و پس از آن نیز منطقه هندونشین «آکسای» را به تصرف و اشغال خود درآورد. دولت هندوستان نیز با نیروهای مسلح خود به این اشغالگری واکنش نظامی نشان داد و بدین

صورت بود که آن دوران نقطه حسیض روابط دو کشور در تاریخ معاصر قلمداد می‌شود و هنوز هم آن مشکلات مرزی به صورت کامل حل و فصل نشده است. در ماه مه سال ۱۹۹۸م نیز، پس از آنکه دولت هندوستان پنج بمب اتمی را برای اهداف آزمایشی منفجر کرد، بار دیگر سردی بر روابط چین و هند حکمفرما شد. جورج فرناندز، وزیر دفاع وقت هندوستان، در سخنانی به صراحت اعلام کرد: «چین دشمن بالقوه شماره یک هند به شمار می‌آید» (فیروزآبادی، ۱۳۸۴: ۹)؛ لذا اگرچه از شدت خصومت‌های قبلی تا حدود زیادی کاسته شده، اما کدورت‌های مربوط به مرزها همچنان باقی است.

از طرفی، رقابت هر یک از اعضای بریکس با دیگری بر سر تصاحب بازارهای کشورهای توسعه‌یافته به طور ملموسی دیده می‌شود. به همین دلیل انتظار می‌رود که بریکس در مقطع فعلی صرفاً به همکاری مشترک اقتصادی بین کشورهای عضو قناعت کند و تا عمل کردن و شناخته شدن به منزله بلوک قدرت در عرصه بین‌المللی فاصله زیادی داشته باشد (عظیمی، ۱۳۹۱). از این رو، با وجود قدرت اقتصادی کشورهای عضو این گروه، هنوز بریکس از نظر قدرت سیاسی جایگاه قابل توجهی در عرصه بین‌المللی در اختیار ندارد و تلاش آن برای تبدیل شدن به بلوک جدید قدرت، با موانع متعددی روبه‌روست. برای مثال، علی‌رغم پیگیری اقدام‌های لازم جهت هماهنگی هر چه بیشتر در دیدگاه‌ها و موضع‌گیری‌های اعضای بریکس در قبال موضوعات بین‌المللی، اعضای این گروه در سال ۲۰۱۱ میلادی، به رغم حضور دسته‌جمعی در نشست شورای امنیت سازمان ملل، در اتخاذ مواضع یکسان درباره حوادث لیبی و سوریه ناکام بودند. درباره قطعنامه ۱۹۷۳ مربوط به ایجاد منطقه پرواز ممنوع در لیبی، آفریقای جنوبی تنها کشور عضو بریکس بود که رأی مثبت صادر کرد (Reuters, 2011)؛ و در ماجرای سوریه و قطعنامه‌های مربوط به محکومیت بشار اسد، معمولاً هند، برزیل و آفریقای جنوبی نظری مخالف چین و روسیه داشته‌اند. هر چند که در هفته‌های اخیر، به‌خصوص در موضوع مخالفت با حمله نظامی به سوریه، هماهنگی‌ها خیلی بیشتر از قبل شده است.

دامنه این اختلافات در پاره‌ای از مواقع حتی در خصوص مباحث اقتصادی نیز به چشم می‌خورد؛ به طوری که در بطن گروه بریکس، مواضع اقتصادی کشورهای عضو نیز کمتر یکسان است. چین که در میان این پنج کشور، بزرگ‌ترین قدرت اقتصادی به شمار می‌رود، خواهان موقعیتی بهتر در صندوق بین‌المللی پول و نقش مهم‌تر واحد پولی خود در تجارت جهانی است و در واقع بریکس را فرصتی مناسب برای به مبارزه طلبیدن هر چه بیشتر دلار و یورو می‌داند. چین از بیشترین میزان ذخایر ارزی به مبلغ ۳۲۰۰ میلیارد دلار برخوردار است و ذخایر هند و برزیل به ترتیب ۳۲۰ و ۳۵۰ میلیارد دلار برآورد شده است. همچنین، روسیه ۵۲۴ میلیارد دلار ذخایر ارزی در اختیار دارد. با وجود این، احتمالات زیادی در این مورد مطرح است که دولت مسکو از حقوق خاص برداشت خود از صندوق بین‌المللی پول برای حمایت از کشورهای بحران‌زده و گرفتار استفاده کند. کارشناسان اقتصادی روسیه معتقدند هر چند مسکو از بی‌ثباتی اروپا هیچ سودی نمی‌برد، اما احتمال اینکه کرملین به ذخایر بانک مرکزی مراجعه کند، بعید خواهد بود و احتمالاً ترجیح می‌دهد برای انجام دخالت‌های مستقیم در این عرصه، از طریق صندوق بین‌المللی پول به کشورهای ضعیف‌تر جنوب اروپا نظیر یونان، اسپانیا و ایتالیا یاری رساند. علاوه بر این، مسکو تلاش می‌کند با رد انتقادهای وارد شده به پیروزی اخیر ولادیمیر پوتین در انتخابات ریاست‌جمهوری این کشور، موقعیت خود را که با سقوط اتحاد جماهیر شوروی سابق از دست داده بود با حضور مجدد او در رأس قدرت به دست آورد (عظیمی، ۱۳۹۱).

اختلاف‌های مذکور لالیته مانسینگ، سفیر سابق هند در واشنگتن، را واداشت تا درباره چالش‌های پیش روی بریکس به واشنگتن پست چنین بگوید: «گروه بریکس توان اقتصادی قابل ملاحظه‌ای در اختیار دارد، اما درباره بسیاری از مسائل بین‌المللی میان این پنج کشور اختلاف نظر وجود دارد. هیچ اصل مشترک و مورد توافقی هم میان این کشورها وجود ندارد و برای مثال حتی درباره مسائل اقتصادی هم میان چین و چهار کشور دیگر اختلافات اساسی وجود دارد» (باوند، ۱۳۹۱: ۱).

از دیگر مشکلات بریکس، می‌توان از معضل هویتی و عدم حل موضوع هویت ویژه و خاص آن سخن گفت. این امر موضوعی اساسی است؛ چرا که بریکس چگونه می‌تواند خود را از اقتصادهای نوظهور معرفی کند، در حالی که کشورها و قدرت‌های در حال ظهور دیگری نیز نظیر مکزیک در آمریکای لاتین، ترکیه در خاورمیانه و اندونزی در آسیا وجود دارند که در این مجموعه قرار می‌گیرند (Laidi, 2011:5-6).

در جمع‌بندی می‌توان معضلات و مشکلات فراروی بریکس را در فرهنگ‌های متفاوت و سطوح مختلف توسعه اقتصادی - اجتماعی - فرهنگی اعضا، برخورداری از مدل‌ها و نظام‌های سیاسی متفاوت، میزان متفاوت مدرنیته‌کردن و میزان سرمایه‌گذاری خارجی متفاوت در این کشورها و روابط عمیق اقتصادی تمامی اعضا با کشورهای غربی خلاصه کرد (Lukov, 2012:2).

۵. آینده و چشم‌انداز بریکس

پل کندی، تاریخدان دانشگاه ییل، که نظریه «گسترش امپریالی» او شناخته شده است، اعتقاد دارد دنیا یا در حال گذر از یک «نقطه عطف تاریخی» و پشت سر گذاشتن جهان تک‌قطبی، «یگانه ابرقدرت» پابرجای پس از دوره جنگ سرد، است یا اینکه همین حالا نیز از آن نقطه گذر کرده است. به عقیده کندی، چهار دلیل مهم برای این فرضیه موجود است: کاهش تدریجی ارزش دلار آمریکا (پیش‌تر ۸۵٪ ذخایر جهانی را تشکیل می‌داد، در حالی که اینک این مقدار به کمتر از ۶۰ درصد رسیده است)، فلج شدن اتحادیه اروپا، خیزش آسیا (و پایان هژمونی ۵۰۰ ساله غرب) و ضعف سازمان ملل (اسکوبار، ۱۳۹۱).

در این میان، به دلیل برخورداری بریکس از یک دسته امتیازات و ویژگی‌های تعیین‌کننده در سطح نظام بین‌المللی، نگاه‌ها بیش از هر نهادی متوجه این نهاد شده است.

برخی ویژگی‌های این گروه که باعث شده تا از سوی دیگر کشورها، گروهی تعیین‌کننده در مسائل جهانی مورد توجه به حساب آید عبارت‌اند از مساحت سرزمین، جمعیت بالا، ارزش بالای تولید ناخالص ملی (GDP) و رشد مناسب آن در سال‌های اخیر، برخورداری از قدرت اتمی کشورهای چین، روسیه و هند، همچنین برخورداری

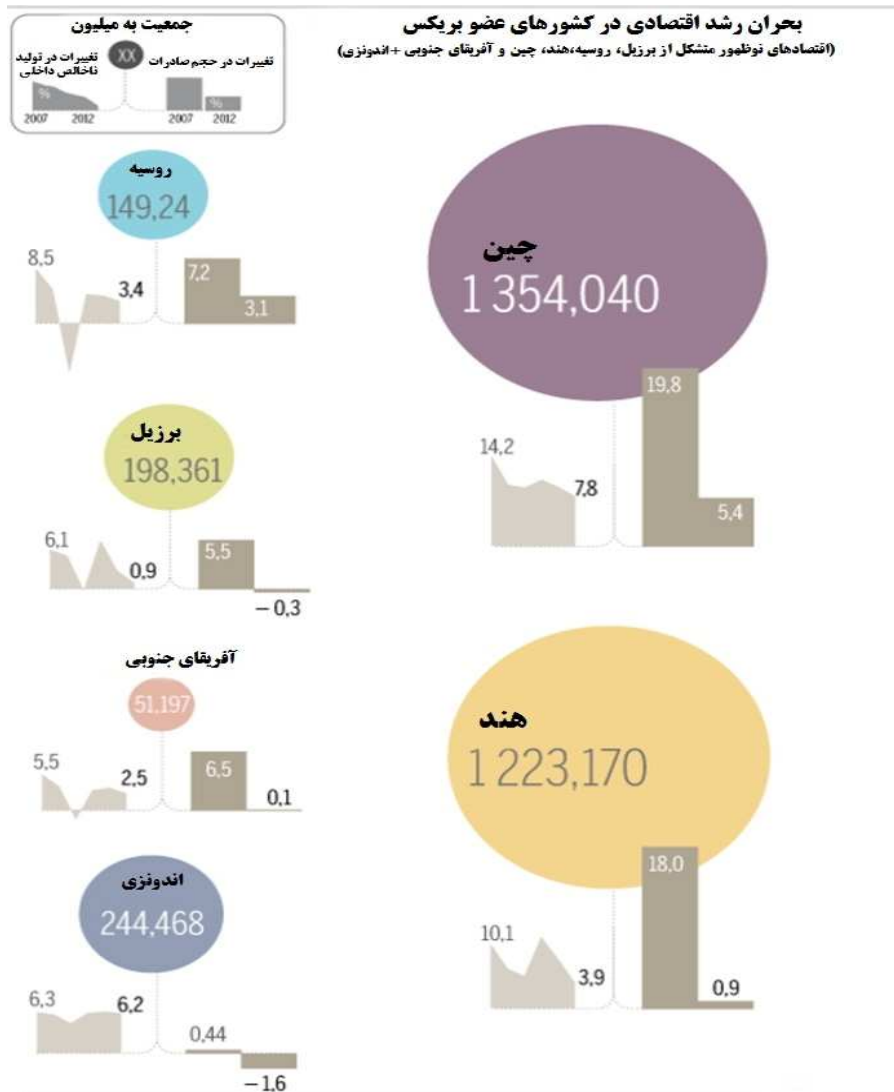
از حق وتوی دو کشور چین و روسیه به عنوان اعضای دائم شورای امنیت سازمان ملل متحد. این مشخصه‌ها باعث شده است که آینده گروه و اهداف آنان، نظر بسیاری از کشورهای جهان را به خود جلب کند. از این رو، این تصور وجود دارد که گروه توانایی رهبری و دفاع از موقعیت اقتصادی و مالی کشورهای ضعیف‌تر را در آینده خواهد داشت (سنجر، ۱۳۹۱).

امروزه، همگی کشورهای بریکس برای خود استراتژی جهانی در پیش گرفته‌اند. به همین دلیل است که ارتباطات و تعاملات اقتصادی و سیاسی خود با دیگر کشورها را فوق‌العاده بهبود بخشیده‌اند و کم‌کم به سمت ایفای نقش رهبری در سطح منطقه خود حرکت می‌کنند؛ امری که برای بسیاری از این کشورها به لحاظ تاریخی سابقه ندارد. این کشورها در چند سال اخیر به انحای مختلف و به طور متعدد، استیلای غرب به سرکردگی آمریکا را به چالش کشیده‌اند و با تکیه بر قدرت اقتصادی خود درصددند تا گفتمان اقتصادی-سیاسی جدیدی را در نظام بین‌المللی پی‌ریزی کنند.

آن‌ها معتقدند از آنجا که ساختار اقتصادی و سیاسی جهان کنونی عمدتاً پس از جنگ جهانی دوم و در سایه نهادهایی همچون بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول و به وسیله قدرت‌های غربی ایجاد شده است، باید تمامی توان خویش را برای بازبینی و شکل‌دهی مجدد به سیستمی بین‌المللی به کار ببرند تا منافع و نگرانی آنان و سایر اقتصادها و کشورهای در حال ظهور را نیز پوشش دهد. آن چیزی که قدرت‌های در حال ظهور دنبال می‌کنند عبارت است از جست‌وجوی نظم جدید اقتصادی و سیاسی که بر مبنای اصول کثرت‌گرایی چندگانه، عدالت، انصاف و دموکراسی ساخته شده باشد (Haibin, 2012:6). آن‌ها در تلاش‌اند تا ساختارهای حاکمیت جهانی را از طریق اصلاحات تدریجی و مسالمت‌آمیز، دموکراتیک‌تر و مؤثرتر سازند.

امانوئل والرشتاین معتقد است: «در پی افول پساژمونیک قدرت، پرستیژ و اقتدار ایالات متحده، به نظر می‌رسد جهان ساختار ژئوپلیتیک چندقطبی یافته است. در این وضعیت جاری با حدود ۸-۱۰-۱۲ جایگاه قدرت هژمونیک، بریکس بخشی انکارناپذیر

از این تصویر نوست. به سبب تلاش‌شان برای ساختن ساختارهای جدید در صحنه جهانی، مانند ساختار بین‌بانکی که در پی خلق آن‌اند، که در کنار صندوق بین‌المللی پول باشد و جایگزین آن شود، بی‌تردید قدرت ایالات متحده و دیگر بخش‌های شمال کهن را به نفع جنوب یا دست‌کم خود بریکس تضعیف کرده‌اند» (والرشتاین، ۲۰۱۳).



شکل ۲. بحران رشد اقتصادی در کشورهای عضو بریکس

البته، همان‌طور که گفتیم، باید به این نکته نیز اعتراف داشت که جاه‌طلبی کشورهای بریکس برای تغییر جهان فعلی در جهت برآورده کردن منافعشان و افزایش نقش اعضای این گروه، با چالش‌های متعددی نیز مواجه است. کشورهای کلیدی این گروه نظیر چین و روسیه از نظر مباحثی همچون اصول اولیهٔ دموکراسی و آزادی رسانه‌ها و انتخابات آزاد همچنان با انتقادهای زیاد جامعهٔ بین‌الملل روبه‌رویند. هند هم اخیراً با انتقادهای فراوانی برای تلاش‌های دولت این کشور برای سرکوب مخالفان روبه‌رو شده و دولت هند تعداد زیادی از فعالان تبتی را در سال ۲۰۱۲م زندانی کرده است. برزیل نیز اخیراً با شورش‌ها و اعتراضاتی به سیاست‌های دولت مواجه بود. از طرفی، رشد اقتصادی بالای این کشورها که به نوعی اساس نامگذاری این گروه بود، و به تبع آن، ارزش پول ملی آن‌ها در یکی دو سال اخیر، افت چشمگیری داشته، به طوری که رشد اقتصادی چین از ۱۰ درصد به ۷ تا ۸ درصد کاهش یافته است. رشد اقتصادی هند که پیش‌تر رقم بیش از ۷ درصد را نشان می‌داد امروز به ۴ درصد کاهش یافته و روسیه نیز از رشد ۸ درصد به ۴ درصد رسیده است (خدایی، ۱۳۹۲).

این عوامل در درازمدت تضمین‌کنندهٔ مطلوب و مؤثری برای برآورده شدن منافع اعضای بریکس نیست؛ به‌خصوص مسائل داخلی از جمله افشای فسادهای مقامات سیاسی هر پنج کشور، این شرایط را دشوارتر از قبل خواهد کرد.

البته، معضل اصلی همچنان همان رقابت شدیدی است که روسیه و چین را که در شورای امنیت دارای مواضع تقریباً یکسانی در برابر یکدیگر قرار داده است. برخی بر این باورند که شاید دولت مسکو تمایل چندانی برای حضور در نشست‌های گروه بریکس نداشته باشد؛ ولی آن را راهی برای تحقق پروژه‌های نفوذ مسکو در مناطق جغرافیایی از دست‌رفتهٔ بعد از سقوط اتحاد جماهیر شوروی می‌بیند. به همین دلیل، بسیاری از صاحب‌نظران اقتصادی اروپا معتقدند که باید با تشویق مسکو برای جدایی از گروه بریکس، از این کشور به منزلهٔ شریکی برای اتحادیهٔ اروپا و تقویت ریشه‌های قدرت این قاره استفاده کرد. بر همین اساس، انتخاب مجدد پوتین را فرصتی برای

ایجاد تغییرات می‌پندارند و معتقدند سیاست‌های روسیه هرگز با الگوهای آسیایی نظیر چین و هند همگون نبوده است و به رغم از دست رفتن وجهه جهانی دولت مسکو، خروج از بریکس به نفع این کشور خواهد بود؛ اگرچه این تلاش‌ها در شرایطی صورت می‌گیرد که بریکس همچنان به مبارزه با سیاست‌های غربی نهادهای مالی از جمله صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی و ماهیت دلار به عنوان ارز رایج در مبادلات جهانی ادامه خواهد داد؛ چرا که بریکس سیاست‌های آمریکا و کشورهای غربی را در پاسخ به تحولاتی همچون انقلاب در کشورهای عرب، عاملی برای بی‌ثباتی می‌پندارد (عظیمی، ۱۳۹۱).

بنا بر گفته‌های پیشین، به نظر می‌رسد که بریکس تا تبدیل شدن به یک نهاد درجه یک و مؤثر بین‌المللی فاصله زیادی دارد. نباید فراموش کرد که پیش‌نیاز دستیابی یک گروه از کشورها به ایجاد تغییر در سطح نظام بین‌المللی، داشتن ایدئولوژی قوی برای انسجام بخشی درون گروهی است. در این راستا، ضمن اشاره به کمبود عقاید مشترک و توافق بر سر خط‌مشی‌های راهبردی بریکس، به نظر می‌رسد تمایل اعضای بریکس برای مقابله با سلطه جهانی آمریکا تنها عاملی است که آن‌ها را به هم پیوند می‌دهد و این امر برای ایجاد پیوندهای بلندمدت اعضا به تنهایی کفایت نمی‌کند.

گام بعدی، تجمیع توان گروه در راستای هدف مشترک است. در این راستا، والتر لادویگ، عضو مؤسسه رویال یونایتد سرویس، معتقد است آنچه موجب می‌شود اعضای بریکس نتوانند مانند یک نیروی مهم و مؤثر در صحنه جهانی عمل کنند کمبود سازمان‌ها نیست؛ بلکه ناسازگاری بنیادین این کشورها در زمینه‌های مختلف است. آن‌ها در بسیاری از زمینه‌های کلیدی با یکدیگر رقابت دارند. در آسیا، هند و روسیه از موانع بالقوه سلطه منطقه‌ای فرضی چین‌اند. روسیه، برزیل و هند خواهان نظام بین‌المللی چندقطبی‌اند که خود بازیگران اصلی آن باشند و قصد دارند عضو شورای امنیت سازمان ملل شوند. در عوض، هدف چین تشکیل دنیای دوقطبی است که در آن چینی‌ها موازنه‌ای برای قدرت آمریکایی‌ها باشند (کبریایی‌زاده، ۱۳۹۱).

در پایان باید گفت تشکیل بریکس در صورت رفع موانع و چالش‌های فراروی آن، شاید بتواند به نوعی یادآور پیش‌بینی اسوالد اشپنگلر، فیلسوف بزرگ آلمانی، باشد که معتقد بود از آنجا که تمدن از شرق به غرب رفته است، دوباره به شرق بازمی‌گردد و این بازگشت با ضریب بالایی از پیشرفت همراه خواهد بود. اشپنگلر می‌کوشد مسیر مشخص تمام فرهنگ‌ها را روشن سازد و بر اساس آن، تحول و سرنوشت فرهنگ‌ها و تمدن‌های کنونی را پیش‌بینی کند. او به استناد این نظریه معتقد بود این بازگشت همان چیزی است که باید آن را افول تدریجی تمدن غرب خواند: بازگشت این تمدن به شرق به معنای آغاز انحطاط غرب است. لذا، بریکس نمادی از این آغاز است که اگر در میانه راه آسیبی به آن نرسد، معادلات دنیا را سخت دگرگون می‌کند.

ضمیمه ۱: آمار مربوط رتبه بخش‌های مختلف اقتصادی چهار کشور چین، هند، روسیه و برزیل در جهان

چین	هند	روسیه	برزیل	دسته بندی ها
۳	۷	۱	۵	وسعت
۱	۲	۹	۵	جمعیت
۱۵۶	۹۰	۲۲۱	۱۰۷	نرخ رشد جمعیت
۱	۲	۷	۵	نیروی کار
۲	۹	۱۱	۷	تولید ناخالص داخلی (اسمی)
۲	۳	۶	۷	تولید ناخالص داخلی (برابری قدرت خرید)
۹۵	۱۳۷	۵۴	۵۵	سرنانه تولید ناخالص داخلی (اسمی)
۹۳	۱۲۷	۵۱	۷۱	سرنانه تولید ناخالص داخلی (برابری قدرت خرید)
۶	۵	۸۸	۱۵	نرخ رشد تولید ناخالص داخلی (واقعی)
۸۹	۱۱۹	۶۵	۷۳	شاخص توسعه انسانی
۱	۱۴	۹	۱۸	صادرات
۲	۱۱	۱۷	۱۹	واردات
۱	۱۶۹	۵	۴۷	تراز حساب تجاری
۵	۲۹	۱۲	۱۱	میزان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی
۱	۶	۳	۷	ذخایر ارزی خارجی
۲۳	۲۶	۲۴	۲۸	بدهی خارجی
۹۸	۲۹	۱۲۲	۴۷	بدهی عمومی
۲	۳	۴	۹	مصرف برق
۱	۶	۵	۳	منابع تجدیدپذیر انرژی
۱	۲	۴	۵	تعداد تلفن‌های همراه
۱	۴	۷	۵	تعداد کاربران اینترنت
۱	۶	۱۹	۷	تولید موتور خودرو
۲	۱۰	۵	۱۲	هزینه‌های نظامی
۱	۳	۵	۱۴	نیروهای شاغل (فعال)
۳	۴	۲	۱۰	شبکه راه آهن
۲	۳	۸	۴	شبکه جاده‌ای

ضمیمه ۲: تولید ناخالص داخلی ۲۰ کشور اول جهان از سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۵۰م

رتبه در سال ۲۰۵۰	کشور	۲۰۵۰	۲۰۴۵	۲۰۴۰	۲۰۳۵	۲۰۳۰	۲۰۲۵	۲۰۲۰	۲۰۱۵	۲۰۱۰	۲۰۰۶
۱	چین	۷۰۷۱۰	۵۷۳۱۰	۴۵۰۲۲	۳۴۳۴۸	۲۵۶۱۰	۱۸۴۳۷	۱۲۶۳۰	۸۱۳۳	۴۶۶۷	۲۶۸۲
۲	امریکا	۳۸۵۱۴	۳۳۹۰۴	۲۹۸۲۳	۲۶۰۹۷	۲۲۸۱۷	۲۰۰۸۷	۱۷۹۷۸	۱۶۱۹۴	۱۴۵۳۵	۱۳۳۴۵
۳	هند	۳۷۶۶۸	۲۵۲۷۸	۱۶۵۱۰	۱۰۵۱۴	۶۶۸۳	۴۳۱۶	۲۸۴۸	۱۹۰۰	۱۲۵۶	۹۰۹
۴	برزیل	۱۱۳۶۶	۸۷۴۰	۶۶۳۱	۴۹۶۳	۳۷۲۰	۲۸۳۱	۲۱۹۴	۱۷۲۰	۲۰۸۷	۱۰۶۴
۵	مکزیک	۹۳۴۰	۷۲۰۴	۵۴۷۱	۴۱۰۲	۳۰۶۸	۲۳۰۳	۱۷۴۲	۱۳۲۷	۱۰۰۹	۸۵۱
۶	روسیه	۸۵۸۰	۷۴۲۰	۶۳۲۰	۵۲۶۵	۴۲۶۵	۳۳۴۱	۲۵۵۴	۱۹۰۰	۱۳۷۱	۹۸۲
۷	اندونزی	۷۰۱۰	۴۸۴۶	۳۲۸۶	۲۱۹۲	۱۴۷۹	۱۰۳۳	۷۵۲	۵۶۲	۴۱۹	۳۵۰
۸	ژاپن	۶۶۷۷	۶۳۰۰	۶۰۴۲	۵۸۸۶	۵۸۱۴	۵۵۷۰	۵۲۲۴	۴۸۶۱	۴۶۰۴	۴۳۳۶
۹	انگلستان	۵۱۳۳	۴۷۴۴	۴۳۴۴	۳۹۳۷	۳۵۹۵	۳۳۳۳	۳۱۰۱	۲۸۳۵	۲۵۴۶	۲۳۱۰
۱۰	آلمان	۵۰۲۴	۴۷۱۴	۴۳۸۸	۴۰۴۸	۳۷۶۱	۳۶۳۱	۳۵۱۹	۳۳۲۶	۳۰۸۳	۲۸۵۱
۱۱	نیجریه	۴۶۴۰	۲۸۷۰	۱۷۶۵	۱۰۸۳	۶۸۰	۴۴۵	۳۰۶	۲۱۸	۱۵۸	۱۲۱
۱۲	فرانسه	۴۵۹۲	۴۲۲۷	۳۸۹۲	۳۵۶۷	۳۳۰۶	۳۰۵۵	۲۸۱۵	۲۵۷۷	۲۳۶۶	۲۱۹۴
۱۳	کره جنوبی	۴۰۸۳	۳۵۶۲	۳۰۸۹	۲۶۴۴	۲۲۴۱	۱۸۶۱	۱۵۰۸	۱۳۰۵	۱۰۷۱	۸۸۷
۱۴	ترکیه	۳۹۴۳	۳۰۳۳	۲۳۰۰	۱۷۱۶	۱۲۷۹	۹۶۵	۷۴۰	۵۷۲	۴۴۰	۳۹۰
۱۵	ویتنام	۳۶۰۷	۲۵۶۹	۱۷۶۸	۱۱۶۹	۷۴۵	۴۵۸	۲۷۳	۱۵۷	۸۸	۵۵
۱۶	کانادا	۳۱۴۹	۲۸۴۹	۲۵۶۹	۲۳۰۲	۲۰۶۱	۱۸۵۶	۱۷۰۰	۱۵۴۹	۱۳۸۹	۱۲۶۰
۱۷	پاکستان	۳۰۷۰	۲۰۸۵	۱۴۷۲	۱۰۲۶	۷۰۹	۴۹۷	۳۵۹	۲۶۸	۱۶۱	۱۲۹
۱۸	فیلیپین	۳۰۱۰	۲۰۴۰	۱۳۵۳	۸۸۲	۵۸۲	۴۰۰	۲۸۹	۲۱۵	۱۶۲	۱۱۷
۱۹	ایتالیا	۲۹۵۰	۲۷۳۷	۲۵۵۹	۲۴۴۴	۲۳۹۱	۲۳۲۶	۲۲۲۴	۲۰۷۲	۱۹۱۴	۱۸۰۹
۲۰	ایران	۲۶۶۳	۲۱۳۳	۱۶۷۳	۱۲۷۳	۹۵۳	۷۱۶	۵۴۴	۴۱۵	۳۱۲	۲۴۵

منبع: <http://www.goldmansachs.com/our-thinking/topics/brics/brics-and-beyond-book-pdfs/brics-full-book.pdf>

ضمیمه ۳: سرانه تولید ناخالص داخلی بیست کشور جهان از سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۵۰م

رتبه در سال	کشور	۲۰۰۰	۲۰۰۵	۲۰۱۰	۲۰۱۵	۲۰۲۰	۲۰۲۵	۲۰۳۰	۲۰۳۵	۲۰۴۰	۲۰۴۵	۲۰۵۰	درصد رشد از سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۵۰
۱	امریکا	۹۱۶۸۳	۸۳۴۸۹	۷۶۰۴۴	۶۹۰۱۹	۶۲۷۱۷	۵۷۴۴۶	۵۳۵۰۲	۵۰۲۰۰	۴۷۰۱۴	۴۴۳۷۹	۴۴۳۷۹	%۲۰۶
۲	کره جنوبی	۹۰۲۹۴	۵۷۹۷۹	۶۳۹۲۴	۵۳۴۴۹	۴۴۶۰۲	۳۶۸۱۳	۲۹۸۶۸	۲۶۰۱۲	۲۱۶۰۲	۱۸۱۶۱	۱۸۱۶۱	%۴۹۷
۳	انگلستان	۷۹۲۳۴	۷۳۸۰۷	۶۷۳۹۱	۶۱۰۴۹	۵۵۹۰۴	۵۲۲۲۰	۴۹۱۷۳	۴۵۵۹۱	۴۵۵۴۳	۳۸۱۰۸	۳۸۱۰۸	%۲۰۷
۴	روسیه	۷۸۴۳۵	۶۵۷۰۸	۵۴۲۲۱	۴۳۸۰۰	۳۴۳۶۸	۲۶۰۶۱	۱۹۳۱۱	۱۳۹۷۱	۹۸۳۳	۶۹۰۹	۶۹۰۹	%۱۱۳۷
۵	کانادا	۷۶۰۰۲	۶۹۵۳۱	۶۳۴۶۴	۵۷۷۲۸	۵۲۶۶۳	۴۸۶۲۱	۴۵۹۶۱	۴۳۴۴۹	۴۰۵۴۱	۳۸۰۷۱	۳۸۰۷۱	%۱۹۹
۶	فرانسه	۷۵۲۵۳	۶۸۲۵۲	۶۲۱۳۶	۵۶۵۶۲	۵۲۳۲۷	۴۸۴۲۹	۴۴۸۱۱	۴۱۳۳۲	۳۸۳۸۰	۳۶۰۴۵	۳۶۰۴۵	%۲۰۸
۷	آلمان	۶۸۲۵۳	۶۲۶۵۸	۵۷۱۱۸	۵۱۷۱۰	۴۷۲۶۳	۴۵۰۳۳	۴۳۲۲۳	۴۰۵۸۹	۳۷۴۷۴	۳۴۵۸۸	۳۴۵۸۸	%۱۹۷
۸	ژاپن	۶۶۸۴۶	۶۰۴۹۲	۵۵۷۵۶	۵۲۳۴۵	۴۹۹۷۵	۴۶۴۱۹	۴۲۳۸۵	۳۸۶۵۰	۳۶۱۹۴	۳۴۰۲۱	۳۴۰۲۱	%۱۹۶
۹	مکزیک	۶۳۱۴۹	۴۹۳۹۳	۳۸۲۵۵	۲۹۴۱۷	۲۲۶۹۴	۱۷۶۸۵	۱۳۹۷۹	۱۱۱۷۶	۸۹۷۲	۷۹۱۸	۷۹۱۸	%۷۹۷۸
۱۰	ایتالیا	۵۸۵۴۵	۵۲۷۶۰	۴۸۰۷۰	۴۴۹۴۸	۴۳۱۹۵	۴۱۳۵۸	۳۸۹۹۰	۳۵۹۰۸	۳۲۹۴۸	۳۱۱۲۳	۳۱۱۲۳	%۱۸۸
۱۱	برزیل	۴۹۷۵۹	۳۸۱۴۹	۲۹۰۲۶	۲۱۹۲۴	۱۶۶۹۴	۱۲۹۹۶	۱۰۳۷۵	۸۴۲۷	۶۸۸۲	۵۶۵۷	۵۶۵۷	%۸۷۹
۱۲	چین	۴۹۶۵۰	۳۹۷۱۹	۳۰۹۵۱	۲۳۵۱۱	۱۷۵۲۲	۱۲۶۸۸	۸۸۲۹	۵۸۳۷	۳۴۶۳	۲۰۴۱	۲۰۴۱	%۲۴۳۲
۱۳	ترکیه	۴۵۵۹۵	۳۴۹۷۱	۲۶۶۰۲	۲۰۰۴۶	۱۵۱۸۸	۱۱۷۴۳	۹۲۹۱	۷۴۶۰	۶۰۰۵	۵۵۴۵	۵۵۴۵	%۸۲۲
۱۴	ویتنام	۳۳۴۷۲	۲۳۹۳۲	۱۶۶۲۳	۱۱۱۴۸	۷۲۴۵	۴۵۸۳	۲۸۳۴	۱۷۰۷	۱۰۰۱	۶۵۵	۶۵۵	%۵۱۱۰
۱۵	ایران	۳۲۶۷۶	۲۶۲۳۱	۲۰۷۴۶	۱۵۹۷۹	۱۲۱۳۹	۹۳۲۸	۷۳۴۵	۵۸۸۸	۴۶۵۲	۳۷۶۸	۳۷۶۸	%۸۶۷
۱۶	اندونزی	۲۲۳۹۵	۱۵۶۴۲	۱۰۷۸۴	۷۳۶۵	۵۱۲۳	۳۷۱۱	۲۸۱۳	۲۱۹۷	۱۷۲۴	۱۵۰۸	۱۵۰۸	%۱۴۸۵
۱۷	هندوستان	۲۰۸۳۶	۱۴۴۴۶	۹۸۰۲	۶۵۲۴	۴۳۶۰	۲۹۷۹	۲۰۹۱	۱۴۹۲	۱۰۶۱	۸۱۷	۸۱۷	%۲۵۵۰
۱۸	مصر	۲۰۵۰۰	۱۴۰۲۵	۹۴۴۳	۶۲۸۵	۴۲۸۷	۳۰۸۰	۲۳۵۲	۱۸۸۰	۱۵۳۱	۱۲۸۱	۱۲۸۱	%۱۶۰۰
۱۹	فیلیپین	۲۰۳۸۸	۱۴۲۶۰	۹۸۱۵	۶۶۷۸	۴۶۳۵	۳۳۷۲	۲۵۹۱	۲۰۷۵	۱۶۸۸	۱۳۱۲	۱۳۱۲	%۱۵۵۳
۲۰	نیجریه	۱۳۰۱۴	۸۹۳۴	۶۱۱۷	۴۱۹۱	۲۹۴۴	۲۱۶۱	۱۶۶۵	۱۳۳۲	۱۰۸۷	۹۱۹	۹۱۹	%۱۴۱۶

منبع: <http://www.goldmansachs.com/our-thinking/topics/brics/brics-and-beyond-book-pdfs/brics-full-book.pdf>

ضمیمه ۴: مقایسه تولید ناخالص داخلی بریک با گروه هفت (بر اساس میلیارد دلار)

گروه ها	کشورها	۲۰۰۶	۲۰۱۰	۲۰۱۵	۲۰۲۰	۲۰۲۵	۲۰۳۰	۲۰۳۵	۲۰۴۰	۲۰۴۵	۲۰۵۰
بریک	برزیل، روسیه، هند و چین	۵۶۳۷	۸۶۴۰	۱۳۶۵۳	۲۰۲۲۶	۲۸۶۲۵	۴۰۲۷۸	۵۵۰۹۰	۷۴۴۸۳	۹۸۷۵۷	۱۲۸۳۲۴
گروه هفت	کانادا، فرانسه، آلمان، ایتالیا، ژاپن، انگلستان، امریکا	۲۸۰۰۵	۳۰۴۳۷	۳۳۴۱۴	۳۶۷۸۱	۳۹۸۵۸	۴۳۷۴۵	۴۸۲۸۱	۵۳۶۱۷	۵۹۴۷۵	۶۶۰۳۹

منبع: <http://www.goldmansachs.com/our-thinking/topics/brics/brics-and-beyond-book-pdfs/brics-full-book.pdf>

منابع

- [۱]. آلبوغبیش، عبدالله. (۱۳۹۱). «بریکس و یارگیری‌های منطقه‌ای»، همشهری آنلاین، ۲۷ فروردین.
- [۲]. _____ (۱۳۹۲). «اقتصادهای نوظهور چقدر در تولید ناخالص جهان نقش دارند؟»، *اقتصاد ایران آنلاین*، ۱۲ فروردین.
- [۳]. اسکوبار، پیه (۱۳۹۱)، «ایران هسته‌ای در مسیر پیوستن به قدرت‌های آینده جهان»، خبرگزاری فارس، ۱ خرداد ۱۳۹۱: <http://www.farsnews.com/printable.php?nn=13910218000917>
- [۴]. ایواشف، لئونید. (۱۳۹۰). «گروه "بریکس"؛ تلاشی برای تجدید نظر در ساختار نظام بین‌الملل»، *سایت روسیران*، ۴ اردیبهشت: www.rusiran.com/category/notation/page/2
- [۵]. بازارباشلی، سعید. (۱۳۹۱). «بریکس؛ غوطه‌ور در آرزوها»، *روزنامه دنیای اقتصاد*، ش. ۲۶۱۵، ۲۴ فروردین.
- [۶]. باوند، هرمیداس. (۱۳۹۱). «بریکس و بانکی که معادلات دنیا را تغییر می‌دهد»، *روزنامه اعتماد*، ش. ۲۳۶۰، ۱۵ فروردین.
- [۷]. جهانبخش، کامران. (۱۳۹۱). «اژدهای شرق در حال بیدار شدن است»، همشهری آنلاین، ۲۷ فروردین: <http://www.hamshahrionline.ir/details/166326>
- [۸]. حافظ‌نیا، محمد. (۱۳۸۳). *اصول و مفاهیم ژئوپولیتیک*. مشهد: پاپلی.
- [۹]. خدایی، زهرا. (۲۰۱۱). «هند پنجمین اقتصاد برتر جهان»، *سایت تجارت الکترونیک ایکام فارم*، ۳۰ اسفند: <http://world.ecomfarm.com/>
- [۱۰]. _____ (۱۳۹۲). «چه بر سر نوظهورها آمد؟ از کاهش ارزش پول ملی تا آشوب خیابانی»، *خبر آنلاین*، ۹ تیر.
- [۱۱]. دیویس، مارتین. (۱۳۹۲). «طرح جدید کشورهای بریکس برای دور زدن بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول»، *نکونیوز*، ۸ فروردین.
- [۱۲]. سجادپور، سیدمحمدکاظم. (۱۳۹۱). «اجلاس سران "بریکس" در دهلی نو؛ چند جنبه‌گرایی غیرغربی»، *روزنامه اطلاعات*، ش. ۲۵۲۸۶، ۲۴ فروردین.
- [۱۳]. سنجر، ابراهیم. (۱۳۹۱). «جایگاه بین‌المللی گروه بریکس»، *پایگاه خبری دنیای صنعت*، ۴ تیر: <http://www.donyayesanat.com/16428-fa.html>

- [۱۴]. شریعتی، قاسم. (۱۳۹۱). «چالش‌های افریقای جنوبی برای ادامه حضور در میان قدرت‌های نوظهور جهانی»، *خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران (ایرنا)*، ۲۳ اردیبهشت: <http://www.irna.ir/NewsShow.aspx?NID=80127140>
- [۱۵]. صمیمی، سیدموسی. (۲۰۱۲). «طرح مالی جدید برازیل، روسیه، چین افریقای جنوبی (گروه بریکس) در برابر نظم مالی حاکم بر جهان»، ۳۰ ماری: www.favon.nl.
- [۱۶]. فضل‌ی، راحله. (۱۳۹۱). «پیوند اعضای بریکس»، *همشهری آنلاین*، ۲۷ فروردین: <http://www.hamshahrionline.ir/details/166290>
- [۱۷]. فیروزآبادی، محمد علی. (۱۳۸۴). «چین و هند: دوستی جدید و دشمنی قدیم»، *روزنامه شرق*، ش ۷۱۹، ۲۱ اسفند.
- [۱۸]. کبریایی‌زاده، حسن. (۱۳۹۱). «گروه بریکس و تغییر معماری نظم جهان»، *موسسه ابرار معاصر تهران*، ۱۶ اردیبهشت: <http://www.tisri.org/default-1099.aspx>
- [۱۹]. عظیمی، دلارام (۱۳۹۱)، «رقابت از وحدت سبقت می‌گیرد»، *همشهری آنلاین*، یکشنبه ۲۷ فروردین: <http://hamshahrionline.ir/print/۱۶۶۳۵۹>
- [۲۰]. نژاد، مژگان. (۱۳۹۱). «معضلات اقتصادهای نوظهور»، *پایگاه جامع تحلیلی خبری اقتصاد پرس*، ۹ دی.
- [۲۱]. والرشتاین، امانوئل. (۲۰۱۳). «بریکس در خدمت چه کسانی است؟»، *ترجمه پرویز صداقت*، ۵ می: <http://pecritique.com/>
- [۲۲]. وولد، نونز. (۱۳۹۱). «قدرت‌های جدید جهان»، *ترجمه احسان شریف روحانی*، *سایت همشهری آنلاین*، ۲۷ فروردین: <http://www.hamshahrionline.ir/details/166287>
- [23]. CIA (2012) The World Factbook - Country Comparison: National product, <https://www.cia.gov/library/publications/the-world-factbook/rankorder/2001rank.html>
- [24]. Groot, S.; P.T., Henri L.F. de Groot, Arjan M. Lejour and Jan Möhlmann. (2011). "The rise of the BRIC countries and its impact on the Dutch economy". CPB Background document, November 21
- [25]. Goldmansachs. (2011). "Brics and Beyond": <http://www.goldmansachs.com/our-thinking/topics/brics/brics-and-beyond-book-pdfs/brics-full-book.pdf>
- [26]. Haibin, N. (2012). "BRICS in Global Governance? A Progressive Force?" April: www.fes.de/cgi-bin/gbv.cgi?id=09048&ty=pdf
- [27]. Hounshell, B. (2011). "BRICs: A Short History". *Foreign Policy Magazine February 21, 2011*: www.foreignpolicy.com/articles/2011/02/22/brics_a_short_history
- [28]. IMF (2013) "World Economic Outlook", April data. Retrieved 17 April

- [29]. Karackattu, J. T. (2011). "BRICS: Opportunities and Challenges". IDSA Issue Brief
- [30]. Laidi, Zaki. (2011). "the BRICS Against the West?". available at: http://www.ceri-sciences-po.org/ressource/n11_112011.pdf
- [31]. Lavrov, S. (2012). "BRICS: a new generation forum with a global reach". Available at: www.brics.utoronto.ca/newsdesk/delhi/lavrov.html
- [32]. Lukyanov, F. (2013). "What holds the BRICS together?". Available at: <http://thebricspost.com/what-holds-the-brics-together/>
- [33]. Lukov, V. (2012). "A Global Forum for the New generation" available at: www.brics.utoronto.ca/analysis/Lukov-Global-Forum.html
- [34]. O'Neill, J. (2001). "Building Better Global Economic BRICs". <http://www.goldmansachs.com/our-thinking/topics/brics/brics-reports-pdfs/build-better-brics.pdf>
- [35]. Reuters(2011), "Libya: Nigeria votes in favour of no-fly resolution", March 18
- [36]. Sanwall, M. (2012). "BRICS Now Matter in the Changing World Order". *Eurasiareview*. 17 April
- [37]. Singh, S. P. & Dube, M. (2011). "BRICS and the World Order: A Beginner's Guide". Source: Foreign Policy, March/April
- [38]. <http://www.bricsindia.in/delhi-declaration.html>
- [39]. <http://www.bricsindia.in/firstSummit.html>
- [40]. <http://www.bricsindia.in/secondSummit.html>
- [41]. <http://www.bricsindia.in/thirdSummit.html>